

عج

# اربعستان مہدی



ابوالقاسم دہقان چناری





# ارمغان مہدی

مؤلف:

ابوالقاسم دہقان چناری

مؤسسہ فرہنگی انتشاراتی مشہور



## ارمغان مهدی

ابوالقاسم دهقان چناری

ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور

چاپ اول: بهار / ۱۳۷۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: قلم

حروفچینی: نیکوچین (مؤسسه اسلامی ترجمه)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت ۳۰۰ تومان

نشانی: قم: ص.پ: ۳۳۹۶-۳۷۱۸۵

تلفن: ۶۱۷۶۴۵-۶۱۰۴۱۶

ISBN:964-91609-6-5

شابک: ۹۶۴-۹۱۶۰۹-۶-۵

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول

- ۷ ..... شناسنامه حضرت مهدی (عج)
- ۹ ..... آمدن بعضی از آیات قرآن درباره بودن
- ۹ ..... حضرت مهدی و قیامشان
- ۱۴ ..... احادیث پیامبر اکرم راجع به حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۰ ..... شمایل حضرت مهدی علیه السلام

### فصل دوم

- ۲۳ ..... علامات ظهور حضرت مهدی (عج)
- ۲۶ ..... زنان آخر الزمان
- ۳۱ ..... مردان آخر الزمان
- ۳۴ ..... شورشگران و بیدادگران آخر الزمان
- ۴۰ ..... نفس زکیه
- ۴۵ ..... نشانه های آخر الزمان

### فصل سوم

- ۴۸ ..... انتظار
- ۵۱ ..... ذکر چند روایت در مورد انتظار

### فصل چهارم

- نواب اربعه حضرت مهدی (عج) ..... ۵۴  
روایاتی چند درباره یاران آنحضرت ..... ۶۴

### فصل پنجم

- عمر طولانی از دیدگاه قرآن ..... ۶۸  
عمر طولانی حضرت مهدی از دیدگاه چند روایت ..... ۷۱  
ذکر عده‌ای از طویل العمران دنیا ..... ۷۴

### فصل ششم

- بحث در مورد رجعت ..... ۷۶  
رجعت‌هایی در قرآن ..... ۷۸  
آیات در مورد رجعت آل محمد ..... ۸۲  
مدعیان مهدویت ..... ۸۶  
علامت شناخت حضرت مهدی در هنگام ظهور ..... ۹۰  
در ذکر اخبار غیب آن حضرت ..... ۹۲  
ذکر کسانی که در غیبت کبری حضرت را دیده‌اند ..... ۹۵

### فصل هفتم

- وظایف ما در غیبت امام زمان ..... ۱۰۸  
ذکر چند قطعه شعر در مدح آن حضرت ..... ۱۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم كن لوليك الحجة بن الحسن صلواتك عليه و على ابائه في  
هذه الساعة و في كل ساعة ولياً و حافظاً و قاعداً و ناصراً و دليلاً و عيناً  
حتى تسكنه ارضك طوعاً و تمتعه فيها طويلاً.

خدایا دعاهاى ما را قبول بفرما.

\* خدایا قیام امام زمان را نزدیک بفرما.

\* خدایا شر ستمکاران از سر ما کم بفرما.

\* خدایا اسرائیل و اسرائیلیها که مردم فلسطین را به خاک و خون

می‌کشاند نابود بفرما.

\* خدایا امریکای خون خوار را نابود بفرما.

\* خدایا ما را از بندگان صالح خود قرار بده و به راه راست هدایت بفرما.

\* خدایا ما را از شر شیاطین محفوظ بفرما.

فقل انما الغیب لله فانظروا انى معکم من المنتظرین<sup>(۱)</sup>

بگو ای پیغمبر غیب از آن از خداست پس منتظر باشید که همانا من نیز

با شما منتظر هستم.

## فصل اول

- شناسنامه حضرت مهدی (عج)
- آمدن بعضی از آیات قرآن درباره بودن
- حضرت مهدی و قیامشان
- احادیث پیامبر اکرم راجع به حضرت مهدی علیه السلام
- شمایل حضرت مهدی علیه السلام

### شناسنامه حضرت مهدی (عج)

تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری می باشد و پدر ایشان امام عسکری علیه السلام است که در سال ۲۳۱ متولد و در سال ۲۶۰ در حالی که ایشان را مسموم کردند در گذشتند و به شهادت رسیدند و تنهانشان حضرت مهدی که از نرجس خاتون ملکه روم یگانه کنیز خودشان پیدا کردند.

مورخین اتفاق دارند که در سال ۲۷ سالگی پدر ایشان شربت شهادت را نوشیدند و در ۲۶۰ تا ۳۳۰ غیبت صغری و از ۳۳۰ تا روزی که ظهور کنند غیبت کبری می باشد.

شیخ صدوق که در کمال الدین نقل کرده اند که چون مادر امام عصر علیه السلام حامله گشت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به وی فرمودند: پسری می آوری که نامش محمد است و پس از من جانشین من خواهد بود و نیز در کمال الدین



روایت می‌کند که چون امام زمان علیه السلام شب نیمه شعبان ۲۲۵ به دنیا آمدند و زانو نشستند و در صورتی که انگشت مبارک به سوی آسمان داشت عطسه‌ای کرد و فرمودند:

الحمد لله رب العالمين و صلى اله على محمد و آله

وایضاً در کتاب کمال الدین نقل کرده‌اند از محمد بن عثمان که چون آقا متولد گردید امام حسن عسکری علیه السلام عثمان بن سعید (که از نواب خاص آن حضرت بود) را احضار نموده و به او فرمودند ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت خریده و به حساب من میان بنی‌هاشم قسمت کن و چند راس گوسفند هم برای او عقیقه بنما.

و نرجس گفت من نرجسم ملکه دختر یشوعا فرزند قیصر پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن صفا وصی حضرت عیسی بن مریم علیها السلام است و به این نحو نرجس معرفی گشت.

## آمدن بعضی از آیات قرآن درباره بودن حضرت مهدی و قیامشان

- ۱: وَاخِرَىٰ تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مَنْ آتَىٰهُ فَتَحَ بِكَرْبِهَا (۱)  
و دیگری که دوست می‌دارید پیروزی از جانب خدا و فتح نزدیکی است  
یعنی پیروزی و فتح و ظهور امام زمان و کسی که شیعیان انتظار او را  
می‌کشد تا زمین را پر از عدل و داد نهد.
- ۲: حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقْلَبُ عِدَدًا (۲)  
تا آن زمانی که ببینند وعده ما را خواهند دانست مردمان که چه کسی  
یاورش ضعیف‌تر و در شماره اندک و ناتوانی قرار دارد.
- این آیه دلالت بر آمدن و ظهور کردن حضرت مهدی دارد که دیگر هیچ  
چیز معنی ندارد، نه آن وسیله‌های مخرب و نه غیره و ایشان با قدرت شمشیر  
جهان را پر از عدل و داد می‌کند و به همین گونه است که ظالمان و ستمگران  
دیگر ضعیف و ناتوان می‌شوند و مراد از وعده که در این جا آمده است «ما  
یوعدون» مقصود قائم آل محمد و رجعت ائمه معصومین می‌باشد.
- ۳: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ  
وَلُوكِرَهُ الْمَشْرِكُونَ (۳)  
خداوند فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر جمیع ادیان  
غالب گردد هر چند دشمنان دین نخواهند.
- این آیه هم دلالت دارد بر وجود آقا امام زمان و قیام ایشان زیرا از این

۲-سوره یس، آیه ۲۴.

۱-سوره صف، آیه ۱۳.

۳-سوره صف، آیه ۹.

فهمیده می شود هیچ کس غیر از ایشان نیست که بر همه ادیان و احزاب غالب گردد و دین حق که پیامبر اکرم آورده و مشرکان قبول نمی کردند و پیامبر را مورد اذیت و آزار خودشان قرار می دادند و برای انتقام جویی حضرت مهدی علیه السلام می آید و عدل و داد را برقرار می کند و کافران و ستمگران را از دم شمشیر می گذارند.

۴: اعلمو ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بیئنا لکم الایات لعلکم تعقلون<sup>(۱)</sup>

بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می گرداند به تحقیق ما آیات خود را برای شما بیان کردیم تا در آن باره تعقل کند.

منظور از مردن زمین این است که عدل و داد از بین می رود و ظلم و ستم و فحشاء جای آن را می گیرد و زمین قربانی بیدادگری اهلش می شود و بعد خداوند حضرت قائم را می فرستد تا عدل و داد را در زمین برقرار کند و این آیه هم دلالت بر رجعت می کند که هم رجعت و هم ظهور حضرت مهدی علیه السلام خود آیاتی است برای ما انسانها.

۵: و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً<sup>(۲)</sup>

و گفت حق آمد و باطل از میان رفت و به درستی که باطل رفتنی است. این آیه در موقعی صدق می کند که خداوند عالم تمام فرشتگانش را فرستاده باشد و هنوز حضرت مهدی علیه السلام ظهور نکرده اند و وقتی ایشان ظهور کنند باطل از میان می رود و دین حقه الهی که دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله است بر همه ادیان چیره می گردد.

۶: سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق<sup>(۳)</sup>

۲-سوره اسراء، آیه ۸۳

۱-سوره حدید، آیه ۲۶.

۳-سوره فصلت، آیه ۵۳.



## فصل اول / آیاتی که دلالت بر آمدن آن حضرت دارد / ۱۱

زود باشید که آیات خودمان را در آفاق و در وجود آنها به آنان نشان دهیم تا یقین بدانند که خداوندی هست.

در موقعی آیات خداوند در آفاق و انفس به ما نشان خواهد داد که حق آورده شود و حق هم خداوند به سمت حضرت مهدی علیه السلام داده است تا در موقع ظهورشان برای ما انسانها به ارمغان آورند و حضرت مهدی علیه السلام به امر خداوند ظهور ایشان حتمی و قطعی است و خداوند ایشان را ظاهر می گرداند تا همه مردم ایشان را ببینند و بدانند که خود از آیات خداوند بر روی زمین است و به نیکان و صالحان که حق ایشان پایمال شده است به آسایش و راحتی ادامه زندگی خویش را در کنار وجود حضرت مهدی علیه السلام بگذرانند.

۷: و نريدان ممن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين<sup>(۱)</sup>

می خواهیم که منت بگذاریم بر آن کسانی که در زمین ضعیف قرار داده شده اند و آنان را پیشوا و وارث قرار دهیم.

و این آیه شریفه را حضرت علی علیه السلام بعد از گفتن این جمله ها که دنیا بعد از بیدادگری و دشمنی و عناد به سوی ما برمی گردد آن طوری که شتر بدخو به سوی بچه خود برمی گردد و بعد این آیه شریفه را تلاوت کردند و این کلام در نهج البلاغه جلد سوم صفحه ۱۹۹ فرموده شده است و حتی این آیه را هم علمای اهل تسنن هم قبول دارند که این کلام هم ابن ابی الحدید که از جانب علمای اهل تسنن می گوید و قول ایشان این است که می گویند اشاره به امامی است که مالک زمین و مسلط بر تمام کره زمین می شود.

۸: و عد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض<sup>(۲)</sup>  
خداوند وعده داده است به آن اشخاصی که ایمان آورده اند و عمل صالح

۲- سوره نور، آیه ۵۴.

۱- سوره قصص، آیه ۴.

انجام داده‌اند که آنان را در زمین خلیفه گردانند.

و این از وعده‌های خدای تبارک و تعالی است و برای آمدن شخصی که دارای این صفات که در این آیه کریمه است:

الف: اشخاصی که ایمان آورده‌اند.

ب: اشخاصی که عمل صالح انجام داده‌اند.

و یاد در تفسیر آیه منکم برای عظمت‌شان آن حضرت اشاره شده است و یا

برای حضرت مهدی علیه السلام و یازده امام شیعه و حتی حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

که فرمودند اگر از دنیا یک روز بیشتر باقی نباشد خدا آن یک روز را چنان

طولانی می‌کند تا مردی از امت من که نام او نام من و کنیه او کنیه من است خارج

شود و زمین پر از عدل و داد کند آن طوری که پر از جور و ظلم شده باشد.

۹: ان نشاء نزل علیهم ایه من السماء فظلت اعناقهم لها خاضعین<sup>(۱)</sup>

اگر بخواهیم آیتی از آسمان برایشان نازل می‌کنیم که گردنهایشان را

برای آن خضوع کنند.

در کتاب فرائد المطین از حسن بن خالد از حضرت علی بن موسی

الرضا علیه السلام در حدیثی که نام مهدی در آن برده شده و این که آن حضرت

چهارمین فرزند امام رضا روایت کرده است که فرمودند وقتی مهدی خارج شود

زمین به نور الهی روشن خواهد شد و در ادامه می‌فرمایند مهدی همان کسی

است که منادی از آسمان برای او ندائی می‌کند که جمیع اهل زمین آن ندا را

می‌شنوند و می‌گویند در ادامه که حجت خدا نزد خانه کعبه ظهور کرد شما از ما

متابعت کنید زیرا که حق به جانب آن حضرت خواهد بود و بعد این آیه در بالا

گفته شد خواندند.

فصل اول / آیاتی که دلالت بر آمدن آن حضرت دارد / ۱۳

۱۰: ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكران الارض يرثها عبادي الصالحون<sup>(۱)</sup>

ما بعد از آن که در تورات نوشته بودیم در زبور نوشتیم که بندگان شایسته وارث زمین می‌شوند.

واین آیه دلالت به این دارد که خداوند در کتابهای تورات و زبور در قرآن که کتابی است که به دست پیامبر خاتم آورده شده ذکر کرده است که کسی در زمین می‌آید که از بندگان صالح خداوند است و باز ایشان اشاره به حضرت مهدی علیه السلام است و وجود ایشان که خداوند در تورات هم از آمدن روزی که کسی ارث می‌برد از بندگان صالح خدا زمین را پراز عدل و داد می‌کند خبر داده است.



## احادیث پیامبر اکرم راجع به حضرت مهدی علیه السلام

۱: از صحاح سته ترمذی در باب ماء جاء فی المهدی روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

\* لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطى اسمه، اسمي <sup>(۱)</sup> که دنیا تمام نمی‌شود تا آن که حکومت به دست عرب بیفتد که مردی است از اهل بیت من که اسمش هم اسم من است.

۲: قال رسول الله يخرج في اخر الزمان رجل من ولدي اسمه، كاسمي كنية ككنتي يملاء الارض عدلاً كما ملئت جوراً و ذلك هو المهدی پیامبر فرموده‌اند خارج می‌شود در آخر زمان مردی از اولاد من که اسمش هم اسم من و کنیه‌اش هم کنیه من است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از پر شدن از ظلم و جور که این مرد دادگستر، مهدی است.

که این روایت از عبدالعزیز محمودبن بزاز از ابن عمر روایت کرده‌اند. <sup>(۲)</sup>  
۳: عن ينابيع الموده عن مناقب الخوارزمي عن ابي جعفر عن ابيه عن جده عن امير المؤمنين قال: رسول الله افضل العباده انتظار الفرج <sup>(۳)</sup>

که در این حدیث که با چند رابطه به حضرت علی و ایشان از پیامبر نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم فرموده‌اند افضل عبادات انتظار فرج حضرت مهدی است.

زیرا ما می‌دانیم اقتضای جهان این است که اگر ظلم و جور در آن روا باشد

۱- صحیح ترمذی، صفحه ۴۶، ج ۳، چاپ دهلی.

۲- تذکره الخواص، ص ۳۷۷. ۳- المهدی، ص ۲۱۱.

باید یک کسی باشد که آن ظلم و جور را کنار بزند و آن حضرت مهدی علیه السلام است و چون در حالت غیبت هستند انتظار فرج ایشان از افضل ترین عبادات به حساب می آید.

در کتاب مولوعه الامام المهدی نقل از احمد بن حنبل که روایت خیلی مشهور از رسول اکرم فرموده اند:

۴: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة<sup>(۱)</sup>

کسی که بمیرد و نشناسد امام زمانش را مرده است در مرگ جاهلیت. که حتی از شناخت حضرت مهدی به قدری مهم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند کسی که نشناسد امام زمانش را وقتی که مرد مثل این است که مرده مرده جاهل و این در عظمت شأن حضرت مهدی است که ما باید ایشان را بشناسیم و به احادیث افضل العبادة انتظار فرج پایبند بوده و انشاء الله از یاران باوفای آن حضرت باشیم.

۵: ابوصالح محمد بن فیض بن فیاض عجلی سماوی به اسناد خودش از زید بن ثابت نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

لا یذهب من الدنیا «یذهب الدنیا» حتی یقوم با مرآتی رجل من صلب الحسین علیه السلام یملأها عدلاً كما ملئت جوراً<sup>(۲)</sup>

که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند که از عمر دنیا نمی گذرد روزی حتی این که قیام می کند مردی از جانب صلب حسین و دنیا را پر از عدل و داد می کند، پس از پر شدن جور.

می گوید عرض کردم کیست؟ فرمودند: امام نهم از صلب حسین او مهدی است و این حدیثی بود والا که حضرت مهدی علیه السلام فرزند نهم صلیبی حسین علیه السلام

۱- مولوعه الامام المهدی، ص ۹.

۲- کفایه الاثر، به نقل از منتخب الاثر، ص ۲۰۴.

است و ما می دانیم قول خداوند تبارک تعالی: «انی جاعل فی الارض خلیفه» دلالت بر دوام و استمرار خلافت در دنیا می دهد و دنیا هیچ وقت خالی از خلیفه خدا نیست که آن خلیفه حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

والذی بعثتني بالحق ان منها مهدی هذه الامه صارت الدنيا هرجا مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبیل و اغار بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیراً و لا صغیر یوفز کبیراً یبعث الله عند ذلك منهما من یفتح حصون الضلاله و قلوباً غلغلا یقوم بالذین فی اخر الزمان کما قلت فی اول الزمان<sup>(۱)</sup> قسم به پروردگاری که مرا به حق مبعوث کرد مهدی امت از اینهاست هنگامی که دنیا هرج و مرج شد و فتنه ها آشکار گشت و راهها ناامن گشت.

و مردم از چپاول یکدیگر در امان نبودند و بزرگترها بر کوچکترها رحم نکردند و کوچکترها احترام بزرگترها رعایت نکردند خداوند در چنین زمانی از نسل این دو «امام حسن و امام حسین» کسی را برمی انگیزد که قلعه های ضلالت را به تسخیر خود درمی آورد و دلهای نفوذناپذیر را تحت نفوذ خود قرار می دهد برای احیای شریعت در آخر الزمان قیام می کند آن چنان که من در اول زمان قیام کردم.

که در این حدیث از پیامبر اکرم می بینیم که بعضی از حالات ظهور حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده اند البته علامت دیگری برای ظهور هست که کلاً از این راهها منشعب می شود. مثلاً این که فرموده اند: فتنه ها آشکار می شود یعنی ظلم و ستم بر عدالت چیره می گردد که ظلم و ستم هم خود مراحلی دارد.

هشدار می که از حضرت محمد به ما رسیده است این است که:

من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد<sup>(۲)</sup>

۲- یابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸، ۱۶۲.

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۷۸.



هر کس ظهور مهدی را انکار کند به آن چه محمد آورده است کافر شده است.

واعتقاد نداشتن به امام زمان خود می بینیم که پیامبر اکرم در ردیف کفر حساب کرده اند زیرا اعتقاد نداشتن به امام زمان یعنی رد کردن حضرت و قرآن و رد کردن دوازده امام و اعتقاد نداشتن به تمام آن چه که پیامبر اکرم از جانب خداوند آورده اند پس این جا است که باید بگوییم کسی که پیامبر اکرم را به عنوان رسول خدا آورنده قرآن از جانب خداوند می داند باید طبق این آیه شریفه: ﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾ به تمام آنچه پیامبر اکرم می گوید گوش فرا دهد و به آنها جامه عمل بپوشاند و در این صورت است که ما به مقصود خودمان که راضی بودن خداوند از ماست می رسیم و انشاءالله از یاران باوفای حضرت مهدی و از خدمتگزاران به مکتب ایشان هستیم.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیردگر باره جوان خواهد شد

یعنی این تیره شب غیبت مهدی روزی از دم صبح حضورش لمعان

خواهد شد.

هذا الامه مرحومه فمنا نبیها و منها مهدیها بنا فتح هذا الامر و بنا یختم ولنا ملک لاننا اهل العاقبه و العاقبه للمتقین<sup>(۱)</sup>

حضرت رسول فرمودند: این امت، امت مرحومه است که پیامبرش از خود او و مهدیش از خود اوست این امر به وسیله ما آغاز شده است و به وسیله ما پایان می پذیرد برای ما دولتی هست که در آینده مقدر است و پس از دولت ما دولتی نخواهد بود زیرا ما هل عاقبت هستیم و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

لا تخلوا الارض من قائم بحجه اما ظاهر مشهور او خائف مستور لئلا تبطل حجج الله و بیناته<sup>(۱)</sup>

پیامبر اکرم می فرمایند که خالی نیست زمین هرگز از حجت خدا که یا ظاهر و آشکار و یا خائف و نهان خواهد بود تا حجت‌های و بینات حضرت پروردگار باطل نشود.

و این دلیل برهان حضرت رسول است بر بودن کسی که مصلح جهان است زیرا اگر چنین مصلحی نباشد آیات و بیانات خداوند عالم به گوش مردم نمی‌رسد و کسی دیگر به چیزی پایبند نبود و دین و اعتقادات در مردم ضعیف می‌گشت پس می‌دانیم که اقتضای این جهان دنیای فانی این است که باید مصلحی باشد تا به داد فقیران و مستمندان و ستم دیده‌ها برسد لذا است که در قرآن کریم می‌بینیم که خداوند تبارک تعالی می‌فرماید: ﴿ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل﴾<sup>(۲)</sup>

که در این رابطه و درباره این آیه کریمه ابو حمزه شمالی از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که امام باقر علیه السلام فرمودند کسی که انتقام می‌گیرد پس از آن که بر وی ظلم شده آن قائم آل محمد و یارانش هستند و سپس حضرت فرمودند که چون قائم ما قیام کند او و یارانش از دشمنان و دروغگویان و دشمنان اهل بیت انتقام خواهد گرفت تا این که در دنباله این آیه خداوند می‌فرماید

انما السبيل على الذين يظلمون الناس و يبغون في الارض بغير الحق اولئك لهم عذاب اليم<sup>(۳)</sup>

این انتقام را از کسانی می‌گیرند که بر مردم ستم کرده و می‌کنند و

۲- سورة شوری، آیه ۴۱.

۱- الزام الغاصب، ص ۴.

۳- سورة شوری، آیه ۴۲.

بی جهت در زمین بی دادگری به راه می اندازند که آنان کیفری دردناک خواهند داشت.

از این آیه فهمیده می شود که خلاصه کسی می آید که به این بی دادگریها رسیدگی کند و قوانین حقه خداوند را به اجرا درآورده و به داد ستمدیدگان و کسانی که با نگاه و انتظار خود در پی آمدن او هستند و دائم قرار ندارند و شیفته رسالت خداوند و آورنده عدل و داد بر روی زمین را به انتظار می کشند. که خداوند درباره انتظار کشیدن آمدن مصلح می فرماید:

فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین<sup>(۱)</sup>

ای پیامبر بگو غیبت از آن خداست پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظران هستم.

یمیت الله به کل بدعه و یحو کل ضلاله و یحیی کل سنة<sup>(۲)</sup>

خداوند به وسیله او بدعتها را نابود می سازد و گمراهی را از بین می برد و سنتها را زنده می کند.

اگر ما در احادیث رسول اکرم اسلام خوب دقت کنیم می بینیم تمام آنچه را که ایشان روایت کرده اند و در توصیف آخر الزمان فرموده اند می شود بر روی هر یک از آن حادثه ها انگشت گذاشت ر انشاءالله در بحث بعدی که می آید خواهیم این نشانه ها را بر شمرد و می بیند خیلی اینها تطابق با زمان حال و حاضر را دارد.

او کسی است که می آید و قیام می کند و دوازدهمین ستاره فروزان آسمان امامت و ولایت است و او عدالتگر جهان است و تمام اوصاف ایشان توسط رسول اکرم بیان شده است و کسی که در آن شک دارید باید خوب بداند طبق حدیثی که از نظر تان گذشت تشبیه کافر شده است.

۱- سوره یونس، آیه ۲۰.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲.



## شمایل حضرت مهدی علیه السلام

در این قسمت بحث در رابطه با شمایل و سیمای حضرت مهدی است که از دیدگاه روایاتی که وارد شده است مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کسانی که شیفته حضرت مهدی هستند و آماده هستند تا در راه ایشان آماده جنگ با کفار باشند باید در تمام موارد اطلاعات درباره آن حضرت داشته باشند چون ایشان امام امت اسلامی هستند.

ابتدا شروع می‌کنیم این باب را با حدیثی از حضرت علی علیه السلام:

سیاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه و یملك بینهم من هو غریب و هو المهدی احمر الوجه بشعره صهوته یملاء الارض عولا بلا سعوبه یعتزل فی صغره عن امه و ابیه <sup>(۱)</sup>

خداوند قومی را خود می‌آورد که آن قوم را دوست می‌دارد و آنها نیز خداوند را دوست می‌دارند و کسی بر آنها حکومت می‌کند که از نژاد آنها نیست و او مهدی است که چهره‌اش و سیمای او گلگون و موهای طلائی دارد و بدون هیچ مشکلی و رنجی عدالت را گسترش می‌دهد و در خردسالی از پدر و مادرش گوشه‌گیری می‌کند.

که این خبر از حضرت علی علیه السلام است در ابتداء از آمدن ایشان خبر می‌دهد و بعد می‌فرماید در رابطه با نژادی که از ایشان تبعیت می‌کند فرق دارد. و بعد در رابطه با سیمای آن حضرت بحث می‌کند که این قسمت از بحث مورد نظر ما بود. و اما حدیثی دیگر از امام رضا علیه السلام است که می‌فرمایند:

هو شبیهی و شبیه موسی بن عمران علیه السلام علیه جلا بیب النور تتوقد بشعاع

القدس موصوف باعتدال الخلق و نظاره اللّون يشبه رسول الله في الخلق<sup>(۱)</sup>  
تمثال ایشان شبیه من و شبیه موسی بن عمران است هاله‌ای از نور او را  
احاطه کرده است و نور الهی از چهره‌اش ساطع است و با خلقت معتدل و  
درخشش چهره شناخته می‌شود و اخلاق حمیده او چون جدّش رسول  
الله است.

این روایت امام رضا علیه السلام ایشان را تشبیه به موسی بن عمران کرده‌اند و از  
نظر اخلاق تشبیه به رسول الله کرده‌اند که خود حضرت رسول نیز درباره ایشان  
می‌فرماید که مهدی از من است که از اکثر روایات دیده می‌شود و با روایاتی که  
می‌گوید مهدی از نسل من است و می‌دانیم که نسل حضرت مهدی همه معصوم  
و دارای اخلاق حسنه‌ای بودند که کافران به آن حسادت می‌کردند و  
می‌خواستند که آنها دارای آن اخلاق باشند. اما روایتی دیگر از امام  
محمد باقر علیه السلام که می‌فرماید:

في شعره قطط افرق الثنایا ابلجها واضح الجبین<sup>(۲)</sup>

موهایش پر پشت دندانهای ثنائی ایشان براق و از هم جدا است و پیشانی  
مبارک ایشان باز و درخشان است.

که این خبر درباره صورت آن حضرت بحث می‌کند و علامت صورت را  
می‌دهد و یک روایتی دیگر درباره صورت آن حضرت از امام صادق نیز با هم از  
خاطر می‌گذرانیم.

ازج ابلج ادعج اعین اشم الانف اقفی اجلی<sup>(۳)</sup>

ابروهایی کشیده و صورتی نیکو و دیدگانی اشکی و بینی باریک و نیکو  
خمیده و پیشانی باز و درخشان دارد.

و این قسمتی از علامت شمایل آن حضرت از آنچه که از اخبار وارد شده

۲- منتخب الاثر، ص ۱۶۵.

۱- الزام الناصب، ص ۱۳۸.

۳- الزام الناصب، ص ۱۳۸.

است.

و اما علامات را خواهیم ذکر کرد به طور عمومی هم از نظر روایات هم کسانی که آن حضرت را دیده‌اند. و داریم در این رابطه که بعضی که ایشان را دیده‌اند نیز توصیف می‌کند آن حضرت را به همین صفاتی که ذکر شد. و در کتبا غیبت شیخ طوسی نقل می‌کند از امام محمدباقر که حضرت امیرالمؤمنین در بالای منبر عرض کردند که «مردی از دودمان من در آخرالزمان ظهور می‌کند که رنگش سفید مایل به سرخی است، شکمش عریض است، رانهایش پهن است، استخوان شانه‌هایش درشت است، در پشت او دو خال است یکی به رنگ پوست بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر اکرم است». دو نام دارد یکی مخفی و دیگری ظاهر است نامی که مخفی است احمد و آن که ظاهر است محمد می‌باشد. چون پرچم خود را به اهتزاز درآورد شرق و غرب عالم را مسخر بسازد و دست بر سر و رو گذارده و دل مومنین از آهن قویتر گردد خداوند نیز چهل مرد به او عطا فرماید مرده‌انی است که این شادی به دل و قبرش نیابد ارواح آنها در قبور با هم ملاقات می‌کند و قیام قائم ما را به یکدیگر مژده می‌دهند.

و در کتابی به نام «**فصول المهمه**» که تالیف شده است از ابن صباغ مالکی که او یک دانشمند سنی است او درباره شمایل آن حضرت در **فصول المهمه** می‌نویسد مهدی موعود جوانی است:

متوسط القام، نیکوروی، خوش بوی، موی سرش بر دوشهایش ریخته است، بینی ایشان باریک است، پیشانی ایشان باز است.»

این بیاناتی بود از بعضی از روایات درباره شمایل آن حضرت که مورد عنایت شما خوانندگان عزیز قرار گرفت.

## فصل دوم

- علامات ظهور حضرت مهدی (عج)

- زنان آخر الزمان

- مردان آخر الزمان

- شورشگران و بیدادگران آخر الزمان

### علامات ظهور حضرت مهدی (عج)

در این بخش به پاره‌ای از علامات ظهور حضرت مهدی اشاره می‌کنیم و ما  
اکثراً در این بخش از روایات اهل بیت در رابطه با علامات ظهور سخن می‌گوئیم  
تا ببینیم از زبان معصومین آن علامت چگونه توصیف شده است و تعداد زیادی  
از این نشانه‌ها که ذکر می‌کنیم در عصر ما تحقق یافته است و تعدادی در شرف  
است که به تدریج زمانی اتفاق خواهد افتاد و تا آن مصلح جهان، حضرت مهدی  
ظهور کند و به غیبت کبری خویش خاتم بخشد و دل هر منتظری را آرام بخشد  
و شمشیر از نیام بیرون کشد و گردن ستمگران و بیدادگران را بزند و به طور کلی  
پنج نشانه که به طور ختم و یقین که شک، در آن نیست و رخ می‌دهد از زبان  
حضرت علی علیه السلام می‌بینیم.

من المحتوم الدی لا یر منه ان یکون قبل القائم خروج السفیابی و خسف

بالبيداء و قتل النفس الزكية و المنادی من السماء و خروج اليماني<sup>(۱)</sup>  
از نشانه‌هایی که بدون تردید پیش از قائم روی می‌دهد پنج تا است:

(۱) خروج سفیانی،

(۲) خسف سرزمین بیداء،

(۳) قتل نفس زکیه،

(۴) ندای آسمانی،

(۵) خروج یمانی.

تفسیر بعضی از این حوادث که از امام باقر که در تفسیر علی بن ابراهیم  
است که ابوالجارود گفت که امام باقر این طور تفسیر کرده‌اند:

از این آیه:

قل ارايتم ان اتاكم عذابه بياتاً و نهاراً

بگو به من بگوئید اگر عذاب خدا شبی یا روزی برای شما بیاید.

لاماذا يستعجل منه المجرمون

گناهکاران برای چه شتاب می‌کنند.

فرمودند این عذابی است که در آخرالزمان بر فاسقان اهل قبله  
«مسلمانان» نازل می‌شود در حالی که منکر این عذاب هستند.

و نیز در تفسیر مزبور ابوالجارود از آن حضرت روایت است که در تفسیر

این آیه:

ولوتري اذفزعوا فلافوت و اخذ و امن مكان قريب

آنها در هنگامی که وحشت می‌کنند ببینی بدون فوت وقت از جای

نزدیکی گرفته می‌شوند که فرمودند وحشت آنها از صدای آسمانی به این

گونه است که زمین زیر پایشان را فرو می‌برد و این دو تفسیر دربارهٔ فرو

رفتن لشکر دشمن در زمین بیداء است.



قبل از غور کردن در بحث این بحث که علامات ظهور حضرت است را بر

چند بخش تقسیم می‌کنیم:

(۱) مردان و زنان در آخر الزمان.

(۲) شورشگران و بیدادگران، و انقلابهای آخر الزمان.

(۳) از عجایب و خبرهای خارق العاده که در آخر الزمان اتفاق

می‌افتد.

که ما فعلاً بحث از این علامات را دنبال می‌کنیم.

## زنان آخر الزمان

زن اگر در این دنیای امروز خودش را بشناسد و به دستورات و آنچه اسلام فرموده است گوش فرا دهد و جامه عمل بپوشاند و طریق و مسلک فاطمه الزهرا را پیشه کند به راستی که مانند درّی گرانبها است ولی متأسفانه در اکثر جاهای دنیا دیده می‌شود که زنان لباس مردان را پوشیده و شیوه مردان را پیشه می‌کنند بدون رعایت کردن حقوق خودشان و در این صورت است، که آینده منحرف می‌شود و نسل جوان به سوی نابودی و هوای نفس خودش کشیده می‌شود و می‌بینیم که امروزه اکثراً به فکر آرایش و زیبایی اندام خودشان برای خیابانها و برای مردم می‌باشند و اینها:

**اولاً:** اسلامی نبودن خانواده‌های خودشان و دربرداشتن احکام اسلامی.

**ثانیاً:** بی‌لیاقتی مردهای خودشان را می‌رسانند که بسی از حیوان

پست‌تر هستند زن باید خودش را برای شوهر خودش آرایش نماید تا شوهرش وقتی در جامعه می‌رود نگاه خودش را از هر نامحرمی مصون بدارد ولی دیده شده است مردمی که زن دارد و زنی که مرد دارد برعکس به مسائل اسلامی عمل نمی‌کند و این مسائل و احکامی که قرآن درباره عفت نفس آورده شده را زیر پای می‌گذارند و بیشتر به فکر خویشان هستند.

و ما می‌دانیم که زنان امروزی باید فاطمه زهرا را که دختر پیامبر اکرم بوده

است مورد عنایت و الگو قرار دهند و ما در تاریخ می‌دانیم چه کسانی در خود

ایران روی کار آمده‌اند و می‌خواستند رن و حفظ حجاب او را از بین ببرند ما برای

مثال زدن به زمانهای دور و قدیم نمی‌رویم، می‌آییم به زمان محمدرضا شاه پهلوی که شاهد این موضوع و خرابکاریهایی که او در جامعه به واسطه گوش دادن به فرامین غربی انجام داده بود دیدیم و در این بین کسی که از نسل پیامبر اکرم بود قیام کرد به نام روح الله الموسوی الخمینی و با همت و یاری خداوند و با وحدت کلمه مردم و یکپارچگی خویش حکومت ظلم و ستمشاهی محمدرضا شاه را بر هم پاشیدند و استقلال خود را حفظ کردند و یک بار دیگر حکومت پیامبر اکرم و رسول خدا را در ایران ارائه دادند.

تا چشم حسودان تاریخ کور شود و بدانند که مردم ایران با یاری خداوند و رهبری امام خمینی و وحدت کلمه توانستند این بی‌حجابی که تنها یک رشته از آن فسادهای مملکتی را بود براندازند و می‌بینیم که چقدر در جمهوری اسلامی ایران تاکید شده است که مرد نیاز به زنی دارد که عقیقه و پاکدامن باشد و وسایل ازدواج را به زودی فراهم کنند تا در دامن شیطان نیفتند و ما می‌دانیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله با قلبی بصیر و پاک زمان حال را در آمریکا و اروپا و بعضی از کشورهای اسلامی دیگر کشورها را توصیف می‌کنند و حال زنان را شرح می‌دهد که چگونه حال به بعضی از این احادیث گوش فرا می‌دهیم. پیامبر فرمودند:

کیف بکم اذا فسدت نساؤکم و فسق شبانکم ولم تامرُوا المعروف بل امرتم بالمنکر و نهیتم عن المعروف و اذا رایتم المعروف منکراً و المنکر معروفاً فقیل له و بکون ذلك یا رسول الله فقال فهم و شر من ذلك<sup>(۱)</sup>

چگونه فرمودند می‌شود حال شما هنگامی که زنهاى شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور گرایش پیدا کنند و شما نیز به جای امر به معروف و نهی از منکر و نهی از معروف می‌کنید معروف را منکر خیال کرده و منکر را معروف می‌پندارد پرسیدند نه چنین وضعیتی پیش

خواهد آمد یا رسول الله و پیامبر فرمودند:  
آری حتی بدتر از این وضع هم پیش خواهد آمد.

و خیلی از این وضعیتهای بی حجابی روی می دهد که زنها به خاطر  
برجستگیهای بدن اگر نداشت با مرد اشتباه گرفته می شد ببیند تا چه حد فسق  
و فجور می شود و در دنیای امروزی در روزنامه ها تجاوز امریکاییها را به اکثر  
دخترهای امریکایی که هنوز دست به ازدواج نزده اند و این نمونه ای است در  
گوشه جهان امروزی و روایت رسول اکرم درباره نفرین کردن ایشان زنانی را که  
خودشان را شبیه مردان می کنند.

قال رسول الله ﷺ: لعن الله المتشبهات من النساء بالرجال و المتشبهين  
من الرجال بالنساء (۱)

لعنت خداوند بر زنانی که خود را به صورت مرد در می آورند و مردانی  
را که خود را به صورت زن در می آورند.

زیرا اصلاً اگر فرقی بین زن و مرد نبود خداوند زن یا مرد یکی از آن دورا  
خلق می کرد چرا خداوند هر دو را خلق کرده است، خلق کرده است تا از ناموس  
خلقت دفاع شود و پای از گلیم خویش بیرون ننهند ولی امروزه دیده می شود که  
تمام این احادیث که از چهارده قرن گفته شده است صدق کرده است و این خود  
علامت ظهور است.

و حدیثی دیگر داریم که امروزه تحقق پیدا کرده است و آن این است که  
هنگامی که زنهایی را دیدید که بر سرشان چون کوهان اشتران است بدانید که  
نمازشان پذیرفته نمی شود.

در عصر امروزی این نشانه را به طور وضوح در هر کجای دنیا حتی در

مناطق اسلامی هم دیده می شود.

روایتی از حضرت علی درباره آخر الزمان را می خوانیم:

تكون النسوة كاشفات عاریات متبرجات من الدين خارجات و الى الفتن  
مائلات و الى الشهوات و اللذات مسوعات للمحرمات مستحلات و في  
جهنم خالدات<sup>(۱)</sup>

زنها لخت و عور می باشند زینتهای خود را آشکار می کنند از دین بیرون  
می روند به فتنه ها گرایش پیدا می کنند به سوی شوتها و لذتها می شتابند  
محرمات الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاویدند.

و این نشانه هم به درستی که تحقق پیدا کرده است ما می بینیم در  
جامعه های غربی با یک وضعیت شوم که تهاجمات فرهنگی و همیشه فکر لذتها  
و شهوتهای دنیوی می باشند و متأسفانه بعضی از مدهای غربی که در کشورهای  
اسلامی شیوع پیدا کرده است مثل مدهای رپ، هوی متال، اسکارلو، و غیره که  
در کشورهای اسلامی هم این مدها شیوع داشته و این به ما می فهماند که  
کورکورانه به فرامین و مدهای غربی نباید روی آورد و این باعث ضعف یک ملت  
است که خواسته باشد از اعمال کشوری نامسلمان و غربی تقلید نماید و انشاءالله  
که ما از این نوع نباشیم که خواسته باشیم به این کارهای غربیها عمل کنیم و  
خداوند ما را به راه راست هدایت کند. انشاءالله

و به این حدیث که آخرین حدیث درباره عدهای زنان آخر الزمان می باشد  
که از امام صادق می باشد: با هم مرور می کنیم.

قال الصادق عليه السلام: اذا رايت النساء يبذلن انفسهن لاهل الكفر<sup>(۲)</sup>

هنگامی که زنان را ببینی که خودشان در اختیار کافران قرار می دهند.

این مسئله هم در میان دختران ناباب امروزی به طور وفور پیدا می شود،



که مایل هستند با جوانان ناباب رابطه‌ای دوستانه داشته باشند و به قول دیگر خودشان را در اختیار این نوع جوانان قرار دهند و با صحبت‌های نامشروع خودشان را طوری به یکدیگر پیوند می‌زنند و تشکیل خانواده‌هایی را می‌دهند که نه می‌دانند نماز چیست و نه می‌دانند روزه چیست و غیره که اصلاً به گوششان نخورده است که در جامعه اسلامی بحمدالله خیلی کم از این مسائل به چشم می‌خورد.

و بعضی از جوانان با دیدن نوارهای مبتذل و با داشتن دوستانی ناباب جامعه را به فساد می‌کشند و من جریانی را خواندم که در تهران دختری که با پسری در پارک با هم آشنا شدند و خانواده دختر این ازدواج را قبول نمی‌کرد باعث شد دختر با دوست پسر خودش برادر و خواهرش را به طور فجیعی به قتل برساند.

## مردان آخرالزمان

حدیثی از رسول اکرم اسلام ﷺ:

ماترک بعدی فتنه اضّر علی الرجال من النساء<sup>(۱)</sup>

بعد از عصر من هیچ فتنه‌ای برای مردان پیش نمی‌آید که زیانبارتر از فتنه‌ای باشد که از ناحیه زنان می‌رسد.

در این زمانه نباید یک مرد که نام مرد بر او صدق می‌کند مهار خودش را به دست زن خودش بدهد ولی در این زمانه اکثراً این طور است که بعضی از زنها برای هوسرانی‌هایشان شوهر خودشان را در عذاب هم دنیا و هم آخرت می‌اندازند و در آیه قرآن در سوره یوسف اشاره به این مطلب است که ﴿ان کیدکن عظیم﴾<sup>(۲)</sup> این آیه می‌فهماند کید و مکر از ناحیه زن خیلی زیاد است و در این صورت بود که زلیخا با دروغگویی حضرت یوسف را به زندان انداخت و ما در تاریخ از داستانهای زیادی که درباره مکر بعضی از زنان است خوانده‌ایم و دیده‌ایم از جمله داستان ابن سیرین که بعدها خداوند او علم تعبیر خواب بخشید که زنی چون قیافه زیبای ابن سیرین را دید شیفته او شد و او را به خانه برد و بعد از آن چون ابن سیرین فهمید اجازه برای توالیت خواست و در توالیت سر و صورت خود را پر از نجاست کرد و زن تا آن جمال را دید او را از خانه بیرون انداخت.

و بعضی از احادیثی که تحقق یافته و مورد سرزنش مرد است را در زبان

پیامبر اکرم می‌شنویم.

۲- سوره یوسف، آیه ۲۸.

۱- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۳۳.

یزف الرجال للرجال كما تزف المراه لزوجها<sup>(۱)</sup>  
مردان با مردان زفاف می‌کنند آنچه عروس با داماد زفاف می‌کند.

و حدیث دیگر:

تنکح البهائم<sup>(۲)</sup>

با چهارپایان درمی‌آمیزند.

و حدیث دیگر:

اذا صار الغلام يعطى ما تعطى المراه يعطى قضاء لمن ابتغى<sup>(۳)</sup>

هنگامی که پسر چون یک زن خود را در اختیار مشتری قرار دهد.

و این حالات که می‌بینیم بعضی از مردها به زن اکتفاء نکرده و با هم‌نوع خودشان هم جنس بازی می‌کنند و به این خاطر است که بعضی از بیماریهایی که خداوند نازل کرده است مخصوص در کشورهای خارجی مانند ایذر و غیره.

حدیثی از حضرت علی علیه السلام:

و یری الرجل من زوجته القبیح فلانیهاها و لایردھا عنه و یاخذھا تاتی من کدّ فرجھا من مفسد حذرھا حتی لو نکحت طولاً و عرضاً لم ینهھا و لایسمع ما وقع فذاك هو الدیوث<sup>(۴)</sup>

مزد از همسرش انحرافات جنسی را می‌بیند و اعتراض نمی‌کند از آنچه به طریق خودفروشی به دست آورده است می‌گیرد و می‌خورد و اگر انحراف کل وجودش را بگیرد اعتراض نمی‌کند به آنچه انجام می‌شود و در حقش گفته می‌شود گوش نمی‌دهد.

و ما متاسفانه می‌بینیم از این گونه فسادها که بعضی از مردها بی‌اهمیت به مسائل زنان راه خودشان را می‌روند ولی توجهی ندارد و وقتی برای خرید و به بازار رفتن و یا غیره می‌روند به زنانشان می‌گویند آرایش کنند یا زنان خودشان

۲- منتخب الاثر. ص ۴۳۴.

۴- بشاره السلام، ص ۲۳.

۱- الزام الناصب، ص ۱۲۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

آرایش می‌کنند و شوهرانشان هیچ نمی‌گویند و حتی از این اعمال ایشان خرسند می‌شوند. اینها همانهایی هستند که باید کسی بیاید و مصلح آقا امام زمان بیاید و گردنشان را از لب شمشیر بگذراند تا بدانند حکومت اسلامی و شرع هم قوانینی دارد.

و در اینجا بنده به یک حدیث دیگر بسنده می‌کنم و این بخش را خاتمه می‌دهم.

قال الصادق عليه السلام: و رایت الرجل اذا مر به یوم ولم یکسب فیہ الذنب العظیم من فجوراً و بخرس مکیال او میزان او غشیان حرام او شرب مسکر کئیباً حزیناً یحسب ان ذلک الیوم علیه ضیعة من عمره <sup>(۱)</sup>

هنگامی که ببینی که اگر مردی یک روز گناه بزرگی نکرده باشد از قبیل فحشاء، کم فروشی، کلاه برداری، و شرب خمر بسیار غمگین و اندوهناک می‌شود که گوئی آن روز عمرش تباه شده است.

آری به راستی تمام امامان ما معصوم و عالم به این روزگار بوده‌اند و انسان وقتی این احادیث را می‌بیند و در آن تأمل می‌کند می‌فهمد که چقدر امامان ما معصوم بوده‌اند که به این عصرها خبر داده‌اند و تماماً به وقوع پیوسته است و به کلام امام صادق اگر دست از این گناهانی که ذکر شد بردارد خیال می‌کند یک چیز گمشده‌ای دارد.

و بیشتر این مسائل در قسمت زنان آخر الزمان مطرح شده است.

## شورشگران و بیدادگران آخر الزمان

در ابتدا به این نکته اشاره می‌کنیم که در زمان فعلی کشت و کشتار زیادی روی می‌دهد و ما در اخبار جهان از آن اطلاع داریم و می‌بینیم و الان دربارهٔ وضع جهان در آخر الزمان از حدیثی که از رسول اکرم اسلام آمده است باب مطلب را باز می‌کنیم.

یکون قوم فی آخر الزمان یخفبون بهذا السواد کحوصل الطیور لایربحون  
ریح الجنة<sup>(۱)</sup>

در آخر الزمان قوی پدید آید که خاک این سرزمین را از خون رنگین می‌سازد و شکم مادران را چون شکم مرغ می‌شکافد چنین قومی هرگز بوی بهشت را استشمام نمی‌کنند.

و این کشتارهای وحشیانه را ما در کشورهای خارجی بر علیه عده‌ای مظلوم می‌بینیم که ظالمان تاریخ حتی رحم به بچه‌های آنها ندارد برای نمونه ما فلسطین اشغالی می‌رویم و می‌بینیم که این اسرائیلیهای غاصب چه بر سر ملتی که خانه و آشیانه خودشان در آنجا است می‌آورند.

آنها را از خانه خودشان خارج می‌کنند و ما برای نمونه بچه‌های شیرخواره را از مادران جدا می‌کردند و در اتاقی چوبی می‌برند و آن را آتش می‌زند این حوادثی است که اگر در آن خیلی دقت کنیم اگر دارای قلبی بصیر باشیم اشک از چشمانمان جاری می‌شود.

و وقتی به ناموس مردم تجاوز می‌شود انسان را به وجد می‌آورد و این



نمونه بوده است برای این که ببینیم که در دنیا چه ظلمها در آن می‌شود.  
و حال با این حدیث که آوردم شروع می‌کنیم در بیدادگران آخرالزمان و  
آن را مرور می‌کنیم.

### الف) خروج سفیانی:

در ابتدا با حدیثی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است سفیانی و سپاه او را تشریح  
می‌کنیم.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يخرج رجل يقال له: السفیانی فی عمق دمشق و عامه  
من يتبعه من كلب فيقتل حتى يبقر بطون النساء و يقتل الصبيان فيجتمع لهم  
قيس فيقتلها حتى لا يمنع دنب تلعة و يخرج رجل من اهل بيتي في الحرم فيبلغ  
ذلك السفیانی فيبعث اليهم جنداً من جنده فيسير حتى اذا جاء ببیداء من  
الارض خسف بهم فلا ينحو منهم الا المخبر<sup>(۱)</sup>

مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند و همه  
پیروانش از نژاد او کلب هستند به قدری خون می‌ریزند که نوبت به  
شکافتن شکم زنان و سربریدن کودکان می‌رسد تیره قیس (که منظور  
مصریها و مراکشی‌ها است) در برابرش قیام می‌کنند و همه آنها را طعمه  
شمشیر می‌سازد و کسی نمی‌تواند از خودش دفاع کند، آن گاه مردی از  
تبار من در حرم خروج می‌کند این خبر به سفیانی می‌رسد سفیانی  
سپاهی برای مبارزه با او می‌فرستد خون سپاهیان به سرزمین پیدا  
می‌رسند زمین آنها را در کام خودش فرو می‌برد که جز گزارشگری از  
آنها زنده نمی‌ماند.

در ابتدا ما از خودمان سوال می‌کنیم سفیانی کیست که آن را خوب

بشناسیم و ما از آنچه امامان ما در این رابطه فرموده‌اند را در نظر می‌گذرانیم.

روایات زیادی در این باره داریم که سفیانی قیام می‌کند اما روایتی از حضرت علی علیه السلام را که در کتاب غیبت شیخ آمده است در رابطه با سفیانی فرمودند که: پیش از آمدن قائم یک فرد سرخ است و یک مرد سفید و در آن موقع دوباره ملخ حمله‌ور می‌شود و یک بار آن را در موقع کشت و کار و یک بار آن بدون وقت و غیر وقت می‌آید و رنگ این ملخ‌ها مانند خون است اما مرگ سرخ شمشیر و مرگ سفید طاعون است و این مطلب و روایت در کتاب ارشاد (شیخ مفید نیز آمده است).

و از زبان امام صادق علیه السلام که سفیانی ۵ منطقه را به تصرف درمی‌آورد. «شام، فلسطین، اردن، حلب، حمص» و اما در رابطه با شکل و قیام سفیانی بگویم روایتی از امام صادق در این رابطه است.

لورایت السفیانی رایت اخبث الناس من اشقر احمر ارزق یقول: ثاری ثم النار ولقد بلغ من خبئه انه یدفن ام ولد له حیه مخافه ان تدل علیه<sup>(۱)</sup> اگر سفیانی را ببینی او را پلیدترین مردمان می‌بینی که چهره‌ای گلگون، چشمانی کبود و موهایی زرد دارد و فریاد می‌زند اول انتقام بعد آتش او به قدری خبیث و پلید است که همسر خودش و مادر و بچه‌هایش را زنده به گور می‌کند تا مخفیگاه او را به کسی نگویند.

از زبان امیرالمؤمنین درباره این که او از خاندان کیست:

هو من ولد ابی سفیان حتی یاتی ارض قرار و معین فیستوی علی منبرها<sup>(۲)</sup> او را از فرزندان ابوسفیان است به سرزمین آرامش و آسایش وارد می‌شود. و بر منبر آن می‌نشیند.

روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره تعداد نفرات و خبر از حال سپاه و

شهرهایی که می‌رود:

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶.

يُخْرِجُ السَّفِيَّانِيَّ مِنْ سَتِينَ وَ ثَلَاثَمَّةَ رَاكِبٍ حَتَّى يَأْتِيَ دِمَشْقَ فَلَإِيَّاتِي عَلَيْهِمْ شَهْرَ رَمَضَانَ حَتَّى يَبَايَعَهُ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفًا وَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْعِرَاقِ فَيَقْتُلُ بِالزَّوَارِ مِئَةَ أَلْفٍ وَيَنْحَرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْهَوْنَهَا<sup>(۱)</sup>

سفیانی با ۳۶۰ اسب سوار حرکت کرده وارد دمشق می‌شود و ماه رمضان فرا نمی‌رسد (خبر از وقت آن است) جز این که کسی هزار نفر از قبیله کلب با او بیعت می‌کنند آن گاه سپاه مجهزی را به عراق می‌فرستد و صد هزار نفر را در زواری با شمشیر می‌کشد و سپس به سوی کوفه می‌روند و شهر کوفه به وسیله آن به تاراج می‌رود.

و یک حدیث از امام باقر علیه السلام ذکر می‌کنیم و این باب را تمام می‌کنیم،

درباره درگیر شدن سفیانی با ابقع و اصهب که بعداً توضیح آن داده می‌شود. يَلْتَقِي السَّفِيَّانِيَّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُهُ السَّفِيَّانِيَّ وَ مِنْ مَعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبَ وَ اتِّبَاعَهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَشْتَعْتُهُمُ وَ الْمَتَوَلَّى إِلَى الْعِرَاقِ وَ يَمْرُجِيشَهُ بِقَرْقِيسِيَا فَيَقْتُلُونَ بِهَا مِئَةَ أَلْفٍ وَ يَبْعَثُ السَّفِيَّانِيَّ حَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عَدَّتْهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ سَبِيًّا<sup>(۲)</sup>

سفیانی با ابقع درگیر می‌شود و او را با تمام یارانش می‌کشد و سپس اصهب را با تمام یارانش می‌کشد آن گاه تمام نیروهای خود را برای کشتن آل محمد صلی الله علیه و آله و شیعیان اهل بیت گسل می‌دارد و به همین خاطر رهسپار عراق می‌گردد و در مسیر عراق سپاهیان او را وارد قرقیسیا می‌شوند و جنگی سخت راه می‌اندازند که صد هزار نفر در آن کشته می‌شوند آن گاه سپاهی به سوی کوفه می‌فرستد که تعداد ایشان به هفتاد هزار نفر می‌رسید مردم کوفه را می‌کشد و غارت می‌کند.

و اما معرفی اصهب و ابقع از زبان احادیث را می‌خوانیم، که در تمام آن،

شورش در شام برقرار می‌شود و حالا به یک روایت که از حضرت صادق علیه السلام توجه می‌کنیم.

و ان اهل الشام یختلفون عند ذلك على ثلاث رايات السفیانی و الاصبه  
والابقع<sup>(۱)</sup>

در آن هنگام سه پرچم در شام وجود دارد یکی سفیانی و اصبه و ابقع که  
مردم شام در زیر این سه پرچم جنگ می‌کنند.

از این روایت معلوم می‌شود خروج سفیانی همزمان با خروج اصبه و ابقع  
است زیرا این سه در این حدیث با یکدیگر ذکر شده و در روایات زیادی داریم که  
هر سه هم اصبه هم ابقع و هم سفیانی در شام قیام می‌کنند. و سه پرچم وجود  
دارد که متعلق به اینهاست و فقط سفیانی چهارده ماه حکومت می‌کند و دیگر  
کشته می‌شوند.

### ب) خروج یمانی:

حال شرح حال و چگونگی جنگ یمانی و هشدار به مسلمانان از زبان امام  
باقر علیّه السلام با مسلمانان درباره یمانی را می‌خوانیم.

خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنة واحده و فی شهر واحد و فی  
یوم واحد و نظام کنظام الخزر یتبع بعضه بعضا فیکون الباس فی کل وجه  
ویل لمن ناواهم لیس فی الرايات اهدی من رایه الیمانی هی رایه هدی لانه  
یدعو الی صاحبکم فاذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی کل الناس اذا خرج  
الیمانی فانهض الیه فان رایته رایه هدی و لایحلم لمسلم ان یتلوی علیه فمن  
فعل فهو من اهل النار لانه یدعو الی الحق و الی صراط المستقیم<sup>(۲)</sup>

سفیانی و یمانی و خراسانی در یکسال و یک ماه و یک روز هر سه خروج  
می‌کنند و خروج این سه گروه مثل دانه‌های گردن بند به دنبال هم  
می‌باشد و به هر سو که نگاه کنی ترس و وحشت خواهد بود و کسی که با  
آنها می‌افتد بد به حال او در میان آنها پرچمی خالص‌تر از پرچم یمانی  
نیست که پرچم هدایت است و شما را به سوی صاحبان دعوت می‌کند

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ۲۳۲.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.

هنگامی که یمانی خروج کند فروش اسلحه بر دیگر مردمان را تحریم می‌کند و چون او خروج کند به سویش شتاب کند. که پرچم او هدایت است و برهیچ مسلمان جایز نیست در مقابل او بایستد و اگر بایستد عذاب می‌شود در عالم آخرت زیرا او ما را به سوی حق و صراط مستقیم فرا می‌خواند.

و هر کس که به دستور او گوش ندهد همچنان که در این حدیث آمده است عذاب می‌شود زیرا او ما را هدایت به راه راست می‌کند و تنها پرچمی است که بین این سه پرچم می‌درخشد و باید مسلمانان را پشتیبانی کنند و به او خیانت نکنند.

و در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام درباره خروج سه گروه سفیانی و یمانی و خراسانی.

تلتقی فی الشام ثلاث رایات رایه السفیانی و رایه الیمانی و رایه الخراسانی اهداها رایه الیمانی لانه یدعو الی الحق<sup>(۱)</sup>  
سه پرچم که در شام با یکدیگر رو به رو می‌شوند پرچم سفیانی و یمانی و پرچم خراسانی که از همه خالص‌تر پرچم یمانی است که به سوی حق دعوت می‌کند.

و در حدیث آخر این که یمانی چه دین و مذهبی دارد. از امام صادق علیه السلام:  
الیمانی یتولی علیا الیمانی و السفیانی کفر سی الرهان<sup>(۲)</sup>  
یمانی از شیعیان حضرت علی علیه السلام است و خروج یمانی و سفیانی مثل دو اسب مسابقه همزمان و به دنبال یکدیگر است.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.



## نفس زکیه

در این قسمت قصد داریم درباره کشته شدن نفس زکیه با شما بحث کنیم. که در آخرالزمان «مردی به نام نفس زکیه کشته می شود و در همان هنگام از آسمان منادی ندا می دهد آگاه باشید که نفس زکیه کشته شد و مهدی امیر شماس است که زمین را از عدل و داد پر می کند.»<sup>(۱)</sup>

اگر یادتان باشد مباحث قبلی بنده ۵ چیزی را که در حتمیات آخرالزمان بود ذکر کردم که یکی از آنها قتل نفس زکیه بود که در این جا را بعضی از حادیت ایشان را معرفی می کنیم.

نفس زکیه: کسی است که از خاندان هاشمی از آل محمد صلی الله علیه و آله و در آغاز جنگ سفیانی او به مدینه می رود. و دومین لشکر سفیانی که برای جنگ با حق می روند ایشان را می کشند.

هنگامی که سپاه به سوی مردم حجار حمله ور می شود و خانه های ایشان را ویران می کند و به نوامیس مردم و به حرمین شریفین تجاوز می کند نفس زکیه به مکه می رود و در آن جا شهید می شود که روایتی از امام محمد باقر علیه السلام درباره قتل نفس زکیه در مکه هست. در حدیثی:

وعندذلك تقتل النفس الزکیه فی المکه و اخوه فی المدینه صیغه<sup>(۲)</sup>

در آن هنگام نفس زکیه در مکه و برادرش در مدینه به شهادت می رسد.

و حتی تاریخ آن را امامان ما شیعیان برای ماها معلوم کرده اند از زبان امام

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۱- عرف الوردی، ص ۷۶.

صادق علیه السلام روایتی در این زمینه می شنویم.  
فاذا كان اليوم الخامس والعشرون من ذي الحجه يقتل النفس الزكية بين  
الركن و المقام ظلماً و في اليوم العاشر من المحرم يخرج الحجه <sup>(۱)</sup>  
چون روز ۲۵ ذیحجه فرا می رسد نفس زکیه بین رکن و مقام از روی  
ظلم کشته می شود و روز ۱۰ محرم امام زمان قیام می کنند.  
و پس از آن به فاصله زمانی ۱۵ روز حضرت مهدی قیام می کنند که از  
زبان، امام صادق روایت شده است:

ليس بين القائم و قتل النفس الزكية سوى خمس عشره ليله  
بين قائم علیه السلام و قتل نفس زکیه که او کشته می شود جز ۱۵ روز فاصله  
نیست.

و اما طبق احادیثی که گذشت این هم یعنی قتل نفس زکیه جزء یکی از  
علامتهایی است که در آخر الزمان اتفاق خواهد افتاد و در این جا هم حدیث  
دیگری درباره حتمی بودن آن از زبان امام صادق علیه السلام  
و قتل النفس الزکیه المحتوم <sup>(۲)</sup>

در این جا است که می فهمیم که جهان هیچ وقت در صلح و آرامش نبوده  
است تا این که مصلح آقا امام زمان قیام کنند و کشته شدن نفس زکیه و مظلومان  
را انتقام بگیرند.

بعد از این که در رابطه با شورشگران و بیدادگران آخر الزمان مباحثی چند  
در این باره نقل کردیم می پردازیم به انقلابهای آخر الزمان که زمینه را فراهم  
می کنند تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و عدل و داد را در همه جا برپا کند.

## الف - سید هاشمی:

اما به وسیله روایتی از رسول اکرم ایشان را معرفی می‌کنیم:  
 كان بالحسني و الحسيني و قد قاداها فيسلمها الحسيني فيبا يعونه<sup>(۱)</sup>  
 گواهی آن دو حسنی و حسینی را می‌بینم که هر دو قیام می‌کنند و پرچم  
 هدایت را به اهتزاز درمی‌آورند و سید حسینی آن را به امام تسلیم  
 می‌کند و با ایشان بیعت می‌کند.

و از این روایت فهمیده می‌شود که سید هاشمی حسنی است و او زمینه را  
 برای حضرت آماده می‌کند و سید حسینی وقتی آن حضرت ظهور می‌کنند با  
 ایشان بیعت می‌کند. و اما با روایتی از امام صادق علیه السلام به مقدار قیام او آشنا  
 می‌شویم.

قال الصادق علیه السلام: يخرج قبل المهدي رجل من اهل بيته في المشرق و يحمل  
 السيف على عاتقه ثمانية اشهر يقتل و يئثل و يتوجه الى بيت المقدس فلا يبلغه  
 حتى الموت<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام مردی از  
 اهل بیتش در مشرق زمین قیام می‌کند و هشت ماه شمشیر می‌کشد و به  
 هر کجا می‌رسد می‌کشد و مثله می‌کند و به سوی بیت المقدس عزیمت  
 می‌کند و به آنجا نرسیده مرگش فرا می‌رسد.

قال علي علیه السلام: و يكون قتل سبعين من الصالحين و علي راسهم رجل عظيم  
 القدر يحرقه و يذر مائة في الهواء بين جلولا و خانقين بعد ان يقتل في الكوفة  
 اربعة الاف

هفتاد مرد صالح کشته می‌شود که در راس آنها سید گرانقدری است که  
 سفیانی او را می‌سوزاند و در میان جلولا و خانقین خاکسترش را بر باد  
 می‌دهد پس از آن که چهارهزار نفر را در کوچه به قتل برساند.

۱- کتاب روزگار رهایی، ترجمه کتاب یوم الخلاص، ص ۱۰۲۶.

۲- الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

و این شرح حال یکی از کسانی بود که با روایات از چند از تن معصومین بیان شد و این سید گرانقدر سید هاشمی از کسانی است که در راه رسیدن به حقیقت قدم برمی داشت و گمراهان او را به شهادت رساندند.

### ب - سید خراسانی:

اما درباره سید خراسانی که از حدیث قبل در باب سید هاشمی بیان شد او حسینی است و ایشان پرچم هدایت را به اهتزاز درمی آورد تا وقتی که حضرت مهدی ظهور کردند با ایشان بیعت می کند.

اما ذکر چند روایت در رابطه با شناختن و معرفی او از امام علی علیه السلام:  
يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مِنَ الْمَشْرِقِ لَوْ اسْتَقْبَلْتَهُ الْجِبَالُ لَهَدَمَهَا وَاتَّخَذَ فِيهَا طَرِيقًا<sup>(۱)</sup>

مردی از ولد امام حسین علیه السلام از مشرق زمین قیام می کند که اگر با کوهها روبرو شود کوهها را می شکند و برای خود راهی را می گشاید.

اما درباره این که این گروه که تحت فرمانروائی سید خراسانی است در کجا فرود می آید حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه بیان می کنیم:  
تَنْزِلُ الرِّيَّاتِ السُّودِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خِرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ<sup>(۲)</sup>

پرچمهای سیاهی در خراسان بیرون می آید و در کوفه فرود می آید و در هنگام ظهور مهدی علیه السلام آن پرچمها برای بیعت با آن حضرت روانه می شوند.

و در روایتی از امام حسن مجتبی دربارۀ علامت شناخت او از نظر

چگونگی جمالش:

۲- الملاحم والفتن، ص ۴۴.

۱- الامام المهدی، ص ۲۱۷.

یخرج بالزری رجل ربه اسمر مولی لبنی تمیم کوسج یقال له: شعیب بن صالح  
فی اربعه الاف یكون مقدمه للمهدی لایلقاه احد الا قتله<sup>(۱)</sup>

مردی گندمگون و چهارشانه و کوسه به نام شعیب بن صالح از ری  
خروج می کند با چهارهزار نفر که زمینه را برای حضرت مهدی آماده  
می کند و کسی در برابرش ایستادگی نمی کند مگر آن که کشته شود.

و حدیثی از امام باقر علیه السلام در رابطه با اهمیت جنگیدن در رکاب حضرت

صاحب الامر:

لا یدفعونها الا امی صاحبکم قتلاهم شهداء اما انی لو ادركت ذلك لا بقیت  
نفس لصاحب الامر

پرچمها را به دست صاحب الامر می دهند و به کسی دیگر نمی دهند و  
کشته هایشان شهید است اگر من آن روز را درک کنم جانم را برای  
صاحب این امر علیه السلام نگه می دارم.

## نشانه‌های آخرالزمان

و اما بحث درباره نشانه‌های دوره آخرالزمان که بابه وجود آمدن این نشانه امام زمان ظهور می‌کنند پس باید در این رابطه اشاره‌ای مختصر کنیم و به این نشانه‌ها پی ببریم.

می‌دانیم که باید دنیا پر از ظلم و جور شود تا ایشان ظهور کنند اصلاً حضرت مهدی برای چنین روزی آماده ظهور هستند تا بیداد و بیدادگری را ریشه کن کنند و به داد مظلومان عالم و ستمدیدگان جهان و اسلام برسند و انتقام این مظلومان و ستمدیدگان ببرگیرند. حدیثی از امام صادق علیه السلام:

ان العذاب الادنی هو القحط و الجذب و غلا السعر قبیل خروج القائم  
بالسيف و العذاب الاکبر المهدی بالسيف فی آخر الزمان<sup>(۱)</sup>

و اما عذاب کوچک از جمله قحطی و خشکسالی و گرانی قیمت‌ها و در آستانه ظهور حضرت مهدی به شمشیر و عذاب بزرگ شمشیر بران حضرت مهدی است در آخرالزمان.

و اما در این حدیث در رابطه با تفسیر امام ششم درباره آیه:

ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر<sup>(۲)</sup>

یعنی پیش از عذاب اکبر عذاب کوچک را گرفتار آنها می‌کنیم.

و این حدیث تنها گوشه‌ای از عذاب کوچک است و برآستی که عذاب بزرگ خداوند همین ظهور حضرت مهدی و شمشیر زدن ایشان در راه حق است و این عذابهای کوچک از جمله قحطی که در بعضی از جاهای جهان دیده می‌شود و خشکسالی و گرانی قیمت‌ها هم دیده می‌شود و تمام اینها خود به خاطر انجام

۲- سوره سجده، آیه ۲۱

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۹

دادن گناهی پدید می آید از جمله این گناهان ترک صلاة و رفتن مردم به دنبال اعمال زشت و به دنبال فحشاء رفتن است که از جمله عذابها اتفاق می افتد و ما می دانیم که در فلان زلزله ای که انجام شد و وقتی رجوع می شود به علت آن برمی گردیم به بی دینی و احساس انجام تکالیف الهی را نداشتن است.

و مثلاً خشکسالی می تواند تنها عامل مهم آن که وجود دارد اسراف زیاد از حد است که انسا با انجام این عمل زشت و نهی شده از آن این عذابهای خدائی را می بیند و از جمله آیات مهم درباره اسراف:

یا بنی ادم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین<sup>(۱)</sup>

خداوند کسانی را که اسراف می کنند دوست ندارد و این خود از گناهان کبیره است پس ما از جمله کسانی نباشیم که مصداق این آیه باشیم.

و یکی دیگر از این نشانه ها خرابیهای متعدد و زیاد است که ابتدا حدیثی از

امام صادق بیان می کنیم و به ابعاد این نوع از نشانه ها می پردازیم.

و رایت الخراب قد ادیل من العمران<sup>(۲)</sup>

و می بینی که آبادیها تبدیل به خرابیها و ویرانی می شود.

و نمونه بارز آن در جهان امروز است که با به وجود آمدن سلاحهای گرم از جمله تسلیحات شیمیایی تمام آبادیها از جمله انسانها را نیز با به کار بردن این سلاحها از بین می برند و این فقط در کشورهای غربی که به اصطلاح خودش کشور قدرتمندی است از جمله آمریکا که با به کار بردن این سلاح شیمیایی مردم ژاپن در هیروشیما را از بین برد و این تسلط کشوری است که افتخار به این سلاحها می کند و حقوق بشر را حفظ نمی کند و این قانون مهم بشریت را زیرپامی گذارند و از جمله خرابیها که زیاد است یکی در افغانستان است که این واقعه را می بینیم که آرامش و سکوت ندارد و این با پشتیبانی آمریکا انجام می شود و مردم آواره که حق زندگی در سرزمین خودشان را دارند باید آواره

۱. سوره اعراف، آیه ۳۱.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳.



شوند این است حقوق بشر را زیر پای گذاشتن و دیگر جنگ‌های است که ذکر آن در این جا لازم نیست.

و اما حدیثی دیگر از امیرالمؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره نشانه‌های ده گانه ایشان.

و ان لخروج لعلامات عشرا: اولها تخريق الزوايا في سكت الكوفه و تعطيل المساجد و انقطاع الحاج و خسف و قذف بخراسان و طلوع الكوكب المذنب و اقتران النجوم و هرج و مرج و قتل و نهب و من العلامة الى العلامة عجب فاذا تمت العلامة قام قائمنا قائم الحق طوبى لاهل و لايتى الذين يقتلون في و يطردون من اجلى هم خزّان الله في ارضه لا يفرعون يوم الفزع الاكبر<sup>(۱)</sup> برای ظهور حضرت مهدی ده نشانه و علامت است:

(۱) گشودن زاویه‌های کوچه‌های کوفه (توسعه معابر و باز کردن کوچه‌های بن بست).

(۲) تعطیل شدن مساجد.

(۳) بسته شدن راه حج.

(۴) خسف (زیر آوار رفتن) و قذف (بمباران) در خراسان.

(۵) طلوع ستاره دنباله دار.

(۶) تراکم ستارگان.

(۷) فتنه و فساد.

(۸) سرگردانی و سردرگمی.

(۹) کشت و کشتار.

(۱۰) غارت و چپاول، از هر نشانه تا نشانه‌ای شفگتی‌هایی است چون این نشانه‌ها تحقق یابد امام زمان ظهور کند خوشا به حال اهل ولایت که در این زاهها کشته می‌شوند آنها گنجینه‌های خداوند در روی زمین هستند در روز قیامت از فزع اکبر در امان هستند.

## فصل سوم

- انتظار

- ذکر چند روایت در مورد انتظار

- روایاتی چند درباره یاران آنحضرت

### انتظار

در این قسمت قصد داریم بحث کلی انتظار را بیان کنیم:

افضل العباده انتظار الفرج<sup>(۱)</sup>

برترین عبادتها انتظار فرج است.

ابتدا شروع می‌کنیم در این بحث که انتظار به معنی حقیقی یعنی چه؟ و

بیان فرعیات انتظار:

انتظار فرج یکی از مهمترین چیزهایی انسان مومن باید انتظار آن را

بکشد اگر می‌خواهد بگوید من مسلمان هستم و انتظار کسی می‌کشم که باعث

شادی دل مومنین و ستمدیدگان می‌شود.

و این انتظار در وقتی معنی دارد که انسان منتظر خود از مصلحین باشد و

دارای تمام شرائط ایمان باشد و انسان وقتی وعده چیزی به او داده می‌شود تا

آن لحظه موعود انتظار می کشد تا به مقصود خود نائل آید. حال می خواهیم بدانیم انتظار فرج در معنی اسلامی یعنی چه؟

**\* اعلان بودن انسان کامل**

**\* عمل به احکام اسلامی**

**\* نابودی مسلکهای غیرانسانی**

**\* برپا کردن عدل و داد**

**\* نابودی فساد و پلیدی**

و تمام این واژه‌ها که ذکر شد از شرایطی است که انسان منتظر باید به آن اعتقاد داشته باشد زیرا می دانیم کسی که اعتقاد به آمدن حضرت مهدی و فرج او دارد باید خود مصلح باشد.

حال می خواهیم بعضی از صفاتی که باید انسان منتظر داشته باشد را بیان کنیم:

۱- باید به دستورات دینی که قرآن فرموده و آنچه که امامان فرموده‌اند جامه عمل بپوشاند.

۲- باید به عمل به قرآن اعتقاد خود را محکم کند زیرا برای بیان کردن احکام خود انسان باید به آنها عمل کند تا مردم هم که می آموزند عمل کنند و مصداق آیه قرآن که می فرماید: ﴿لَمْ تَقُولُوا مَالًا تَفْعَلُونَ﴾ نشود.

۳- با فداکاری و ایثار برای حفظ دین اسلام تا سرحد جان دفاع کند.

۴- از انجام دادن هرگونه حرامی چه صغیر و چه کبیر پرهیز کنند.

۵- تمام اعمالش قصد قربت و برای رضای خدا و خداوند در تمام جهات ناظر بر کارش بداند.

۶- دعوت کردن زشت کاران به معروف و نهی کردن از منکر و این خود یک

بحث کلی دارد و در این جا یک آیه از قرآن را بیان می‌کنیم:

التابعون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون  
بالمعروف و الناهون عن المنكر و الحافظون لحدود الله و بشر المومنين<sup>(۱)</sup>  
این آیه برای بشارت این کسانی است که در آیه ذکر کرد و من جمله از  
ایشان کسانی بودند که امر به معروف و نهی از منکر کنند و این خود  
عمل مهمی است و نباید این امر مهم را سبک بشماریم که ای خود یکی  
از صفات فرد منتظر است.

و این برخی از صفات فرد منتظر بود که ذکر کردیم و باید دارای این شرایط  
باشیم و خود را آماده برای شنیدن ندای جهانبخش «جاء الحق و ذهب الباطل»  
آماده کنیم.

## ذکر چند روایت در مورد انتظار

روایتی از امام زین العابدین درباره انتظار فرج  
انتظار الفرج من اعظم العمل<sup>(۱)</sup>  
انتظار فرج از برترین اعمال است.

و باز روایتی دیگر از امام زین العابدین نقل می‌کنیم:

ان اهل زمان غیبتہ و القائلین بامامتہ و المنتظرین لظہور من اهل کل زمان  
لان الله تبارك و تعالی اعطاهم من العقول و الافہام و المعرف ما صارت بہ  
الغیبتہ عندہم بمنزلہ المشاہدہ و جعلتہم فی ذالک الزمان بمنزلہ المجاہدین بین  
یدی رسول الله ﷺ بالسيف اولئك المخلصون حقا و شیعتنا صدقا و  
الدّعاہ الی دین الله سرا و جہرا<sup>(۲)</sup>

اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او و منتظر ظهور او باشند برتر از  
مردمان هر زمان دیگر باشند زیرا خداوند تبارک و تعالی به آنها آن قدر  
عقل فهم و شناخت عطا فرموده که غیبت امام در پیش آنها چون زمان  
حضور شده است خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده  
که در محضر رسول اکرم ﷺ شمشیر بزنند آنها مخلصان حقیقی و  
شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می‌باشند.

روایتی از امام صادق علیہ السلام:

من دین الائمہ الورع و العفہ و الصلاح و انتظار الفرج بالصبر<sup>(۳)</sup>  
از آئین امان این است، ۱- تقوی، ۲- عفت، ۳- صالح بودن، ۴- انتظار فرج  
با صبر و شکیبایی.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۱- منتخب الاثر، ص ۲۴۴.

۳- بشاره الاسلام، ص ۹۰.

و باز حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام:

من مات منكم كلي هذا الامر منتظراً كان كمن كان في فسطاط القائم ان الميت منكم على هذا الامر لمنزله الضارب بسيفه في سبيل الله المنتظر للثاني عشر كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله يذب عنه <sup>(۱)</sup> کسی که از شما منتظر زمان ظهور باشد و در حال انتظار بمیرد مانند کسی است که در خیمه (فرماندهی) حضرت قائم علیه السلام باشد و کسی که روی این اعتقاد بمیرد مانند کسی است که در راه خدا شمشیز بزند و منتظر امام دوازدهم مانند کسی است که در رکاب پیامبر اکرم شمشیر کشیده از آن حضرت دفاع نموده است.

اما حدیثی درباره انتظار از زبان حضرت امام رضا علیه السلام:

ما احسن الصبر و انتظار الفرج اما سمعتم قول الله تعالى وارتقبوا اني معكم رقيب فانظروا اني معكم من المنتظرين فعليكم بالصبر فانما يجي الفرج بعد الياس و قد كان الذين قبلكم اصبر منكم <sup>(۲)</sup>

به چه نیکو است صبر و انتظار فرج مگر نشنیده‌اید گفتار خداوند را که فرموده است، منتظر باشید که من نیز با شما از منتظران هستم پس صبر و شکیبایی را پیشه خود کنید که فرج بعد از یاس و نومییدی خواهد آمد اقوامی که پیش از شما بودند از شما شکیباتر بودند.

که در این حدیث امام رضا علیه السلام به استناد از آیه قرآن این انتظار را برای مردم تشریح کردند.

حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد انتظار:

اعلموا ان المنتظر لهذا الامر له مثل اجر الصائم القائم <sup>(۳)</sup>

بدانید کسانی که انتظار فرج ظهور حضرت ولی عصر را می‌کشند پاداش کسی را دارند که شبها شب زنده‌داری می‌کنند و روزها روزه‌دار هستند.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

روایتی از امان زین العابدین،

من ثبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا اعطاه الله اجر الف شهید مثل شهداء بدر  
واحد<sup>(۱)</sup>

کسی که در زمان غیبت قائم صابر ولایت ما پابرجا بماند خداوند به او  
پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد عطا می‌کند.

خدایا ما را از منتظران صالح آن حضرت قرار بده زیرا می‌دانیم منتظران

مصلح خود باید صالح باشند خدایا ما را از یاران صمیمی آن حضرت قرار بده.



## فصل چهارم

-توابع اربعه حضرت مهدی (عج)  
-روایاتی چند درباره یاران آنحضرت

### نواب اربعه حضرت مهدی (عج)

این بحث را در مورد انتظار با ذکر مقدمه‌ای و چند اخبار به پایان بردیم. در این قسمت بحث می‌کنیم در رابطه با نواب خاص حضرت مهدی. در سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هـ.ق که در گذشت چهارمین نائب حضرت مهدی است ۶۹ سال غیبت صغری ادامه داشت. و از سال ۳۲۹ به بعد غیبت کبری آن حضرت شروع شد.

و در مدت غیبت صغری چهارتن بودند که واسطه بودند که نیابت حضرت مهدی را داشتند و نامها و عرایض مردم را به خدمت امام زمان تقدیم می‌داشتند.

و بین شیعیان چهارتن به عنوان نواب اربعه انتخاب شدند:

- (۱) ابو عمر و عثمان بن سعید عمری.
- (۲) ابو جعفر محمد بن عثمان عمری.
- (۳) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی.

(۴) ابوالحسن علی ابن محمد سنمری.

که به ترتیب درباره این چهار نواب حضرت قائم بحث می شود.

### عثمان بن سعید عمری

به ایشان ابو عمر نیز گفتند و ایشان از طایفه بنی اسد می باشد. و علت این که ایشان او را ابو (عمری) می گویند این است که ابونصر هبة الله بن احمد کاتب دخترزاده ام کلثوم دختر محمد بن عثمان گفته است که عمری اصلاً اسدی است و او را به جدش نسبت داده اند لذا او با این نام می خوانند.

برخی از شیعیان چنین نقل کرده اند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند کنیه (ابن عثمان) و (ابو عمر) در یک شخص جمع نمی شود. لذا دستور فرمودند تا کنیه ابو عمرو را حذف کنند و به جای آن بعد از آن عمری خوانده شد و به او سمان هم می گفتند زیرا برای مخفی و پنهان نگه داشتن منصب سفارت خویش که از جانب حضرت حجت علیه السلام داشت او روغن فروشی می کرد.

کردار او بر این بود که شیعیان اموالی را که برای امام حسن عسکری می آوردند به او می دادند و او از ترس آنها را میان روغن پنهان می نمود و به این صورت به خانه امام می رساند. تا از مصادره و ضبط اموال توسط حکام و امرای دولتی جلوگیری شود.

و او کسی بود که مرود و ثوق امام علی نقی و امام حسن عسکری علیه السلام بود. گروهی از راویان حدیث از هارون بن موسی تلکبری برای ما (شیخ طوسی) به سند خود از احمد بن اسحاق قمی روایت نموده اند که او گفت روزی به خدمت امام علی نقی علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم آقاگاهی سعادت پیدا

می‌کنم به حضور مبارک برسیم و گاهی از فیض محروم می‌باشم در همه وقت نمی‌توانم از شما استفاده نمایم و در وقت که فیض نصیبم نشد خدمت جنابعالی برسیم چه کنم و سخن که را قبول کنم و بپذیرم حضرت فرمودند: ابوعمر و (عثمان بن سعید) مردی موثق و امین است آنچه برای شما نقل کرد، بدان که از طرف بنده می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌رساند.

و احمد بن اسحاق می‌گوید بعد از رحلت آن حضرت روزی خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و همان سوال را از آن حضرت نیز پرسیدم آن حضرت جواب دادند ابوعمر و (عثمان بن سعید) مردی موثق و رستگار است. و ایشان هم او را مورد وثوق قرار دادند.

محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله می‌گویند: روزی در شهر سامراء بر امام حسن عسکری وارد شدیم و آنجا گروهی از شیعیان هم حضور داشتند و بدر خادم وارد شد و عرض کرد جماعتی با لباسهای کثیف و سر و صورت خاکی آمده‌اند و اجازه ورود می‌خواهند امام حسن عسکری فرمودند از شیعیان یمن هستند و بعد به بدر دستور دادند عثمان بن سعید را صدا بزن و او را به اینجا بیاور بدر به دنبال او رفت و او آمد و امام حسن به او چنین فرمودند عثمان تو وکیل و مورد توثیق ما هستی اموالی را که این جماعت آوردند بگیر و دست تو باشد و راوی می‌گوید: عرض کردیم: ما می‌دانستیم که عثمان از شیعیان خوب و صدیق و درستکار است ولی با این کار او را بالاتر بردید و نشان او را نزد ما گرامی داشتند حضرت فرمودند بدانید که عثمان وکیل من و فرزندش وکیل فرزندم مهدی است <sup>(۱)</sup>.

و نیز در بحار به سند خود روایت کرده است که بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام بر حسب ظاهر عثمان بن سعید مشغول تجهیز آن حضرت بود و حضرت صاحب الامر بعد از وفات پدر بزرگوارش او را به منصب و وکالت و نیابت برقرار فرمود.

امام حسن عسکری فرزندش را به جماعتی که چهل نفر بودند من جمله از آنها علی بن بلال و احمد بن هلال و محمد بن معاویه و حسن بن ایوب بودند نشان داده و فرموده اند این امام شما و جانشین من است از او اطاعت کنید و سرپیچی نکنید و او را تا مدتی نخواهید دید و سخنان عثمان بن سعید را قبول کنید و تابع او امرش باشید زیرا او جانشین امام شماست.

## ۲- ابو جعفر محمد بن عثمان عمری:

### نائب دوم صاحب الامر:

وقتی عثمان بن سعید درگذشت پسر خودش را ابو جعفر محمد بن عثمان عمری را به جای خود به دستور حضرت امام حسن عسکری نشانند و به نص پدرش عثمان بن سعید از جانب حضرت قائم به جای پدر نشست و در هنگام وفات پدرش عثمان بن سعید توقیعی از حضرت بیرون آجر مشتمل بر تعزیت نام برد. و امور دیگر که بنابر روایت شیخ صدوق توقیع چنین است.

انا لله و انا اليه راجعون تسليماً لامره و رضا بقضائه و بفعله عاش ابوك سعيداً وفات حميداً فرحمه الله و الحقه باوليائه و مواليه عليهم السلام و لم يزل في امرهم ساعياً فيما يقربه الى الله عزوجل و اليهم نفر الله وجهه و اقاله عثرته و اجزل الله لك الثواب و احسن لك العزاء و رزيت و رزيتا و اوحشك فراقه و اوحشنا فسره الله في منقلبه و كان من كمال سعادته ان رزقه الله و لداً مثلك يخله من بعده و يقوم مقامه بامره و يترحم عليه و اقول

الحمد لله فان الا نفس طيبه بمكانك و ما جعله الله عزوجل فيك و عندك اعانك الله و قواك و عضدك و وفقك و كان ولياً حافظاً و راعياً<sup>(۱)</sup>

و شرح آن این که فرمودند به درستی که ما برای خدائیم و به سوی او برمی گردیم که تسلیم نمودیم امر او را راضی شدیم به قضاء او و پدر تو به سعادت و نیک بختی تعیش نمود و درگذشت در حالی که پسندیده بود خداوند او را رحمت کند و ملحق نماید به اولیاء و سادات و موالیان او علیهم السلام که همیشه در امر ائمه دین تلاش می کردند در آن چیزهایی که موجب تقرب او بود به سوی خدا و ائمه دین او خداوند روی او را شاد نماید و لغزشهای او را ببخشد و جز او اجر تو را زیاد کند و صبر نیکو در مصیبت او به تو عطا کند تو مصیبت زده نشدی و مانیز مصیبت زده شدیم و مفارقت پدرت تو را و ما را به وحشت انداخت پس خداوند او را به رحمت خدا مسرور نماید در منقلب و مثنوای او که آرامگاه اوست و از کمال سعادت پدرت آن که مثل تو فرزندی را به او روزی فرموده که خلیفه و قائم مقام او باشی به امرا و ترحم نمائی و طلب آمرزش کنی از برای او و من می گوئیم که حمد می کنیم خدا را به درستی که قلوب شیعیان نیکو و مسرور شده است به مکان و منزلت تو و آنچه خداوند در تو و در نزد تو قرار داده است و حق تعالی تو را یاری فرماید و قوت به تو بدهد و محکم فرماید تو را و توفیق به تو عطا کند و تو را حافظ و نگهبان باشد.

و این توقیعی بود که از حضرت بیرون آمد.

و همچنین در کتاب کمال الدین جماعتی از علماء از ابوالقاسم جعفر بن محمد ابن قولویه و ابوغالب زراری و ابومحمد تلعکبری روایت نموده اند که جمیع آنها از محمد بن یعقوب کلینی از اسحاق بن یعقوب روایت کرده اند که گفت از محمد بن عثمان خواهش کردم نامه ای که مسائل و مشکلاتم را نوشته

بودم به حضور امام بدهد و او پذیرفت و در جواب چنین توقیعی به خط حضرت امام زمان به این عبارت صادر گشت محمد بن عثمان که خداوند از او پیش از وی از پدرش خشنود باشد مورد وثوق من است و نامه او نامه من می باشد. و بعد از درگذشت پدرش کارها را به عهده گرفت و به مسائل و مشکلات مردم از جانب حضرت قائم جواب می داد.

و از دختر او ام کلثوم روایت کرده اند که محمد بن عثمان بن سعید چند مجله کتاب درمکه تصنیف کرده است که تمام آنها از امام حسن عسکری و صاحب الامر و از پدر خود نیز اخذ نموده است و آن کتاب را در وقت وفات خودش به حسین بن روح نوبختی داد و ابوعلی احمد بن اسحق روایت نموده که از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم باکی طرف شوم و احکام دین خودم را به که بگویم که ایشان فرمودند:

العمری و ابنه ثقتان فما اديا اليك فعني يوديان و ما قالا لك فعني يقولان  
واسمع لهما و اطعهما فانهما الثقتان المامونان  
عثمان بن سعید و فرزندش دو نفر موفق اند هر چه آنها به تو برسانند از من می رسانند و آنچه به تو بگویند از جانب من می گویند پس از آنها بشنو و اطاعت کن که آنها موثق و امین در نزد ما هستند.

### ۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی:

بعد از عثمان بن سعید عمری و پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نائب سوم حضرت شد و در ایام امام حسن عسکری از یاران خاص آن حضرت به شمار می رفت و به اصطلاح باب آن حضرت بود و پاره ای از احادیث ائمه سابق را هم که از دیگران شنیده بود برای دیگران نقل می کرد.

ام کلثوم دختر ابوجعفر عمری می گوید حسین بن روح از چند سال قبل از فوت پدرم ابوجعفر وکیل ایشان بود و در امر املاک نظارت داشته است و اسرار دینی شیعه را به روسای شیعه می رسانده و از خواص و محرم راز او به شمار رفته است. (۱)

در غیبت شیخ طوسی می گوید جماعتی از شیخ صدوق برای من نقل کرده اند که ابوجعفر محمد بن علی اسود گفت اموالی را که از وقوفات به دست آمده به محمد بن عثمان تقدیم می داشتم و در یکی از روزهای آخر عمرش بنده مالی از موقوفات برای او بردم دستور داد آن مال را به حسین بن روح بدهم من هم رفتم این کار را کردم و موقوفات را به او سلیم داشتم به او دادم و از او یک نوشته خواستم که مال را به تو دادم حسین بن روح در این باره به محمد بن عثمان شکایت و گلایه کرد که چرا از من قبض و نوشته می گیرند و محمد بن عثمان هم دستور داد دیگر از حسین بن نوبختی هیچ کس نوشته نگیرد و اضافه کرد آنچه به دست حسین بن روح می رسد مثل این است که به دست من رسیده است.

و نیز در روایات معتبره چنین نقل شده است که محمد بن عثمان بزرگان شیعه و مشایخ را جمع نموده و گفت که هرگاه حادثه مرگ به من رو آورد امر وکالت را به ابوالقاسم حسین بن روح می دهم و به درستی که بنده مامور شدم که این امر را به حسین بن روح نوبختی بدهم پس به او رجوع کنید بعد از مرگ من و در کارها به او اعتماد کنید.

جمعی از دانشمندان از ابوالعباس بن نوح نقل کردند که وی می گفت به



خط محمد بن نفیس که در اهواز نوشته بود دیدم که مرقوم داشته بود نخستین توقیعی که به دست حسین بن روح از ناحیه مقدسه رسید این است:

من حسین بن روح را می‌شناسم خدا جمیع خوبیها و رضای خودش را به او بشناساند و او را با توفیق خود سعادت‌مند گرداند از نامه او مطلع بودیم و به او اطمینان داریم.

وی در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که موجب شادی و خوشحالی اوست خداوند احسانش را در رابطه با او زیاد گرداند. «انه ولی قدیر والحمد لله لا شریک له و صلی الله علی رسوله و اله و سلم تسلیاً»

این توقیع روز یکشنبه ۶ شوال سال ۳۰۵ هجری رسیده بود. ابن نوح گفت در مصر از جماعتی از شیعه اجماعاً شنیدم که می‌گفتند از ابوسهل نوبختی پرسیدند چطور شد که حسین بن روح نائب امام زمان شد و شما نشدید.

او در جواب گفت ائمه اطهار بهتر می‌دانند چه کسی را نائب خود قرار دهند و گفت من کسی هستم که با دشمنان اسلام ملاقات کردم تا آخر مطالبش که دلیل آورده که بنده لیاقت نداشتم به این پست برسم.

#### ۴- ابوالحسن علی بن محمد سمري:

طبق روایت شیخ طوسی خود حسین بن روح ابوالحسن علی بن محمد سمري را تعیین کرد.<sup>(۱)</sup>

و به گفته طبرسی این تعیین با تصریح خود امام دوازدهم بوده است.<sup>(۲)</sup>

۱- غیبه شیخ طوسی، چاپ نجف، ص ۲۴۲.

۲- الاحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۷-۲۹۶.

وکنیه او از سمر یا صمر واقع در یکی از قراء بصره که خویشاوندانش در آن جا زندگی می کردند اخذ شده است.

و آمده است وقتی که وفات ابوالقاسم حسین بن روح فرا رسید به امر حضرت مهدی امام عصر قائم مقام خود قرار دادند شیخ ابی الحسن علی بن محمد سمري را و جواب مسائل شیعیان به دست او انجام می گرفت اموال را مردم خدمت او می آوردند و وقتی زمان وفات او فرا رسید شیعیان نزد او آمدند و به او گفتند که برای ما بعد از وفات خودت کسی را انتخاب کن که بعد از تو به او رجوع کنیم و او در جواب گفت که خداوند نرداوامری است که باید آن امر را به تمام برساند یعنی بعد از من کسی دیگری نیست و غیبت کبری صورت می گیرد. ابن طاوس درباره اش می نویسد: امام حسن عسکری و امام هادی علیهما السلام را خدمت نموده است و آن دو امام با او مکاتبه داشته اند و توقیعات زیادی برایش مرقوم فرموده اند و از وجوه موثقین شیعیان بوده است.<sup>(۱)</sup>

احمد بن محمد صفوانی می گوید: حسین بن روح علی بن محمد سمري را به جای خویش نصب کرد تا به کارهایش برسد و در هنگام وفات او جمعی از شیعیان خدمت او رسیدند تا از جانشین سوال کنند که او در جواب فرمود بنده مامور نیستم کسی را بعد از خودم تعیین کنم.<sup>(۲)</sup>

از شیخ طوسی در کتاب غیبت و از شیخ صدوق در کتاب کمال الدین روایت شده است که چون علی بن محمد سمري وفاتش نزدیک شد توقیعی بیرون آمد به مردم نشان داد که نسخه آن به این مضمون بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

یا علی بن محمد السمري اعظم الله اجر اخوانك فيك فانك ميت بين سقة ايام

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰.

۱- رجال ما مقائی، ج ۴، ص ۳۰۴.

فاجع امرک و لاتوصی الی احد فبقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغیبه التامه فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالی ذکره و ذلك بعد طول الامر و قسوه القلوب و امتلاء الارض جوراً و سیاقی من شیعتی من یدعی المشاهده الافن ادعی قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر و لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.<sup>(۱)</sup>

و فرمان حضرت مهدی را در این توقیع نسبت به علی محمد سمری آمده است که فرمودند: ای علی بن محمد سمری خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید به درستی که در اثناء این شش روز وفات خواهی کرد پس جمع کن امر خودت را در کارهی خودت و آماده باش به احدی وصتی نکن که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو به درستی که غیبت کبری واقع گردیده است و برای بنده ظهور نیست مگر به اذن خدای تبارک و تعالی و این ظهور بعد از این است که زمان غیبت طول بکشد و دلها را قساوت فراگیرد تا پر شود زمین از جور و ستم و به زودی کسانی از شیعیان من که دعوی مشاهده مرا می کنند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحه آسمانی دعوت مشاهده نمایند پس او کذاب و افتراء زننده است و راوی می گوید نسخه ابوالحسن علی بن محمد سمری را نوشتم و رفتم و چون روز ششم رسید به نزد او رفتم دیدم در حالت احتضار است و گفته شد وصی تو بعد از تو چه کسی است جواب داد خدا را امری است که باید آن را به تمام برساند این را گفت و وفات کرد و این بخش درباره نواب اربعه حضرت مهدی به یاری خداوند به پایان رسید و امیدواریم از یاران باوفای حضرت مهدی و از منتظران صالح آن حضرت باشیم.

## روایاتی چند درباره یاران آنحضرت

این بخش در رابطه با کیفیت و بیان تعداد یاران ولی عصر امام زمان است. اول روایتی از امام باقر علیه السلام در رابطه با تعداد یاران ولی عصر است. بیایع القائم بین الرکن و المقام ثلاثئة و نیف رجل عده اهل بدر فیهم النجباء من اهل مصر و الابدال من اهل الشام و الاخیار من اهل العراق. <sup>(۱)</sup> در بین رکن و مقام سیصد و اندی نفر به تعداد اهل بدر (۳۱۳) با قائم بیعت می کنند که نجبای مصر ابدال شام اخیار اهل عراق در میان آنها است.

و اما روایتی دیگر از امام باقر در رابطه با تعداد یاران ولی عصر علیه السلام:  
یظهر فی ثلاثئة و ثلاثه عشر رجلاً عده اهل بدر علی غیر میعاد قزعا کفزع الخریف <sup>(۲)</sup>

حضرت قائم همراه سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر شتابان چون قطعه ای ابر پاکیزی ظاهر می شوند.

روایتی از امام باقر علیه السلام:

احمد بن هوزة عن النہاوندی عن عبد اللہ بن حماد عن ابی الجاورد عن ابی جعفر علیه السلام قال: اصحاب القائم ثلاثہ و ثلاثہ عشر رجلاً اولاد العجم بعضهم یحمل فی السحاب نہاراً یعرف باسمہ و اسم ابیہ و نسبہ و حلیتہ و بعضهم نائم علی فراشہ فیری فی مکہ علی غیر میعاد <sup>(۳)</sup>

یاران حضرت ولی عصر حدود سیصد و کمی بیشتر است (۳۱۳) نفر هستند که برخی از آنها فرزندان عجم (غیر عرب) در روز روشن سوار بر اسب آورده می شوند و برخی از آنها در حالی که در رختخواب خود

۲- الرام الناصب، ص ۲۲۶.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

خوابیده‌اند از رختخواب برده می‌شوند و در مکه بدون وعده قبلی به محضر آن حضرت می‌رسند.

محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد جمهور معا عن الحسن ابن محمد بن جمهور عن ابيه عن سماعه عن ابي الجاورد عن القاسم بن وليد الهمداني عن الحارث الاعور الهمداني قال امير المؤمنين عليه السلام على المنبر:

اذا هلك الخاطب و زاغ صاحب العصر و بقيت قلوب تتقلب من مخصب و مجذب هلك المتمنون و اضمحل المضحلون و بقي المومنون و قليل ما يكونون ثلاث مائة او يزيدون تجاهد عنهم عصابه جاهدت مع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يوم بدر لم تقبل و لم تمت<sup>(۱)</sup>

حضرت امیر عليه السلام می‌فرمایند: هنگامی که جاه طلبان بمیرند زمامداران منحرف شوند و دلها به افراط و تفریط گرایش پیدا کند و آنها که با حق درمی‌افتند هلاک می‌شوند و فقط مؤمنان باقی می‌مانند که تعدادشان در حدود سیصد (۳۱۳) نفر که همراه آنها گروهی جهاد می‌کنند که در جنگ بدر همراه پیامبر جنگیدند و کشته شدند و به اجل طبیعی از بین نرفتند.

این بعضی از روایاتی بود که درباره تعداد یاران ولی عصر آمده است.

در این قسمت روایاتی در کیفیت و چگونگی یاران حضرت مهدی وارد

شده است بحث می‌کنیم:

الفضل عن عبدالرحمان بن ابي هاشم عن عمرو بن ابي المقدام عن عمران بن طيبان عن حكيم بن سعد عن امير المؤمنين عليه السلام قال: اصحاب المهدي شباب لا كهول فيهم الا مثل كحل العين و الملح في الزاد و اقل الزاد الملح<sup>(۲)</sup>

حضرت امیرالمؤمنین می‌فرمایند: یاران حضرت مهدی عليه السلام همه جوان هستند و در میان آنها پیرمرد پیدا نمی‌شود به جز مثل سرمه در چشم و نمک در طعام که کمتر از هر ماده‌ای در طعام نمک آن است.

و در روایت دیگر داریم:

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۷.

احمد بن هوذه عن النهاوندى عن عبدالله حماد عن البطائنى قال: قال ابو عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام قال: بيخاشباب الشيعة على ظهور سطور حهم نيام اذا توافوا الى صاحبهم فى ليله واحد على غير ميعاد فيصبحون بمكة <sup>(۱)</sup> در حالى كه جوانان شيعه در پشت خانه هايشان خوابيده اند در يك شب بدون وعده قبلى به سوى صاحبشان برده مى شوند و صبح همگى خودشان را در مكه مى يابند و دور ايشان گرد مى آيند.

و حدیثی از امام رضا عليه السلام كه مى فرمايند:

و تصير اليه شيعة من اطراف الارض تطوى لهم الارض طيا حتى يبائعوه <sup>(۲)</sup>

شيعيان او از اطراف و اكناف جهان به سوى او مى شتابند و زمين زير پاى آنها طى مى شود تا به محضر او رسیده بيعت نمايند.

و در روايتی از امام باقر در رابطه با تفسير آيه شريفه «واستبقوا الخيرات» چنين فرموده اند:

على عن ابيه عن ابن ابي عمير عن منصور بن يونس عن اسماعيل بن جابر عن ابي خالد عن ابي جعفر عليه السلام فى قول الله عزوجل «فاستبقوا الخيرات اينما تكونوا ايات بكم الله جميعاً» قال الخيرات الولايه و قوله تبارك تعالى اينما تكونوا ايات بكم الله جميعاً يعنى اصحاب القائم الثلاثمائة و البعضه عشر رجلاً <sup>(۳)</sup>

كه امام باقر عليه السلام درباره تفسير آيه فاستبقوا الخيرات فرمودند: منظور از الخيرات ولايه اهل بيت است و منظور از آيات بكم ياران حضرت قائم مى باشند.

روايتی در رابطه با اين كه بايد انسان خود را آماده ظهور حضرت مهدی سازد و همیشه آماده باشد اين عقده عن احمد بن يوسف عن اسماعيل بن

۲- الامام المهدى، ص ۹۵.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸.

مهران عن ابن البطائنی عن ابیه و وهیب عن ابی بصیر قال ابو عبد الله عليه السلام:  
ليعد احدكم لخروج القائم و لو سهماً فان الله اذا علم ذلك من نيته رجوت لان  
ينسى في عمره حتى يدركه و يكون من اعوانه و انصاره <sup>(۱)</sup>  
یک از شما خودش را برای خروج حضرت مهدی آماده کند ولو با تهیه  
کردن یک تیر که اگر خداوند این آمادگی را در نیت شما ببیند امیدوار  
هستم خداوند در اجلتان مهلت دهد تا ظهور او را درک کرده از اعوان و  
انصار آن بزرگوار باشید.



## فصل پنجم

- عمر طولانی از دیدگاه قرآن

- عمر طولانی حضرت مهدی از دیدگاه چند روایت

- ذکر عده‌ای از طویل العمران دنیا

### عمر طولانی از دیدگاه قرآن

در این قسمت در رابطه با این که چرا عمر بعضی طولانی می‌شود و یا بعضی عمر کمی دارند چیست باید به این سوال جواب دهند که خداوندی که انسان خاکی را خلق کرد و از خاک آفرید و قدرت بر خلق داشت آیا قدرت بر مدت عمر ندارد؟ و خداوندی که انسان را از نیستی به هستی رسانید آیا قدرت بر ادامه هستی او را ندارد؟ جواب این است که:

ان الله علی کل شیء قدیر

خداوند به هر کاری قادر و تواناست.

و آن را انجام می‌دهد به هر صورت که خودش بخواهد. و خدائی که در قرآن

در مورد خلقت انسان می‌فرماید:

ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم

خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضعة فخلقنا المضعة عظاماً فکسونا

العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً اخر فتبارك الله احسن الخالقين. (۱)

آن این که ما انسان را از مشتی گل آفریدیم و سپس او را نطفه‌ای ساختیم در جایگاهی محکم آنها نطفه را به صورت عقله (خون بسته) که درآوردیم و علقه را تبدیل به مضغه (گوشت جویده) نمودیم و سپس مضغه را به صورت استخوان درآوردیم آن گاه روی آن استخوانها را با گوشت پوشانیدیم و سپس او را به گونه‌ای دیگر آفریدیم پس مبارک است خداوندی را که بهترین خالقها است.

و باین آیه پی مبریم به این که خداوندی که انسان را با این صورتهایی که ذکر کردیم حیات بخشید و بر هر امری قادر است و هر کاری که خواسته باشد می‌تواند انجام دهد.

و چگونه ممکن است خدایی که این نظم را که در بدن انسان به وجود آورده که اگر یکی از آنها ناقص شود دکترها و کسانی که علم الابدان می‌خوانند از درمان آن عاجزند ناتوان باشد از ادامه هستی این بشر و طول عمر مسئله‌ای است که خداوند افراد زیادی عنایت کرده است که بعضی از اینها را ذکر خواهیم کرد.

مثلاً در این باره که حضرت نوح عمر طولانی داشته‌اند که به تصریح قرآن بعد از بعثت و بیش از طوفان مدت ۹۵ سال در میان قوم خود زندگی کرده است و آنها را به سوی حق دعوت نمود.

آیه قرآن در رابطه با عمر حضرت نوح می‌فرماید:

ولقد ارسلنا نوحاً الى قومه فلبث فيهم الف اسنه الا خمسين عاماً فاخذهم الطوفان وهم ظالمون (۲)

و همچنین درباره زنده بودن حضرت عیسی که به آسمانها رفت و در زمان

۲- سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۱- سوره مومنون، آیه ۱۲ تا ۱۴.

حضرت مهدی می آید آیه قرآن در این رابطه می فرماید:  
و ان من اهل الكتاب الا لیومن به قبل موته و یوم القیمة یکون علیهم  
شہیداً<sup>(۱)</sup>

و می دانیم که حضرت عیسی به خاطر حکمتهایی به آسمان رفت که یکی  
از آنها ایمان آوردن اهل کتاب به هنگام نزول اوست و احدی از اهل  
کتاب باقی نمی ماند که به او ایمان می آورد.

## عمر طولانی حضرت مهدی از دیدگاه چند روایت

در حدیثی از امام صادق درباره کسی که از عمر حضرت مهدی تعجب کرده بود آمده است

ان الله تعالى اदार في القائم منا ثلاثة اذارها لثلاثة من الرسل قدر مولده تقدير مولد موسى و قدر غيبته تقدير غيبته عيسى و قدر ابطاء تقدير ابطاء، نوح و جعل له من بعد ذلك عمر العبد الصالح دليلاً على عمره<sup>(۱)</sup> خداوند تبارک و تعالی سه ویژگی از سه تن از پیامبران را در حضرت قائم قرار داده است: ولادت ایشان را همچون ولادت حضرت موسی قرار داده است و غیبت او را مثل غیبت عیسی قرار داده است و عمر طولانی او را عمر طولانی حضرت نوح قرار داده است آن گاه به بنده صالح خود (حضرت خضر) عمر طولانی داده است تا دلیل عمر طولانی او باشد.

و در روایات زیادی از رسول اکرم و امامان وارد شده است که حضرت مهدی یک سنت از سنت حضرت نوح رادار است و آن عمر طولانی حضرت نوح است که در حضرت مهدی نیز می باشد. و حتی داریم بعضی ها که این احادیث را می شنویدند برای آنها خیلی شکست آور و این موضوع را انکار می کردند و داریم که حضرت صادق این انکار کسانی که منکر عمر طولانی حضرت بودند را خیلی انکار باطل آن را تقبیح می کنند و می فرمایند:

ان تفكرون ان يمد الله لصاحب هذا الامر في العمر كما مد لنوح عليه السلام في العمر<sup>(۲)</sup>

که حضرت صادق در این رابطه می فرمایند چرا انکار دارید و قبول

۲- غیبت شیخ طوسی، ص ۲۵۹.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۰.

نمی‌کنید که خداوند عمر حضرت قائم را طولانی قرار داده است چنانکه خداوند تبارک تعالی عمر حضرت نوح را طولانی قرار داده است. و خداوند با قرار دادن بعضی از آیات و نشانه‌های خودش می‌خواهد به مردم بفهماند که:

**اولاً:** قدرت بر انجام هر کاری را داریم یعنی «ان الله على كل شئ قدير».

**ثانياً:** این که آیات خود دلیل برای آیات و نشانه‌های دیگر است.

که در این مبحث که درباره عمر حضرت مهدی است می‌فهماند که خداوند **اولاً:** بر عمر طولانی قادر است و خدایی که انسان را آفرید هرگونه که بخواهد می‌تواند قرار دهد.

**ثانياً** این است که حضرت نوح در عمر طولانی را می‌توانیم از این آیات و روایات استفاده کنیم که بینه قرار داده است برای عمر طولانی حضرت مهدی. و حضرت امام صادق علیه السلام یک بار دیگر چنین فرمودند.

ان ولی الله یعمّر، عمر ابراهیم الخلیل عشرين و ماه سنه و کان یظهر فی صوره فتی موفق ابن ثلاثین سنة لو خرج القائم انکره الناس یرجع شاباً موفقاً<sup>(۱)</sup>

ولی خدا حضرت موسی علیه السلام از عمر طولانی برخوردار است حضرت ابراهیم ۱۲۰ سال عمر کرد ولی به صورت جوان نیرومند ۳۰ ساله‌ای در میان مردم ظاهر و جلوه می‌نمود و قائم ما نیز به صورت جوانی نیرومند ظهور می‌کند که مردمان او را انکار می‌کنند.

و اما با روایتی از امام حسن مجتبی این مبحث را به پایان می‌رسانیم: ولو قام المهدي لانكره الناس لانه يرجع اليهم شاباً و هم يحسبونه شيخاً كبيراً<sup>(۲)</sup>

امام حسن مجتبی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند.

هنگامی که حضرت مهدی ظهور و قیام می‌کند بعضی از مردمان به انکار بر می‌خیزند و انکار می‌کنند زیرا او به صورت جوان باز می‌گردد و در حالی که مردمان ایشان را پیر جلوه و خیال می‌کنند.

علت آن این است که مردم هر چند از عمر یک انسان که می‌گذرد پیرتر می‌شود می‌گویند پیر شده است و حال این که این عمر یک خدایی و عنایت اوست که ایشان عمر طولانی و جوان ظهور می‌کنند.

## ذکر عده‌ای از طویل العمران دنیا

در این قسمت در رابطه با کسانی که دارای عمر طولانی بوده‌اند در تاریخ را ذکر می‌کنیم:

۱: حضرت آدم ۹۳۰ سال عمر کرد.

۲: حضرت نوح که مسعودی در کتاب اثبات الوصیه نقل می‌کند که به مدت دو هزار و هشتصد سال عمر کرده‌اند.

۳: حضرت عیسی بن مریم علیه السلام که از روز ولادت تا ظهور حضرت مهدی زنده می‌باشند.

۴: حضرت الیاس از روزی که خدا او را خلق کرد تا حالا که هنوز زنده است و کسی ادعا نکرده است که حضرت الیاس مرده است.

۵: حضرت خضر نیز از روزی که خداوند او را خلق کرد تا هر وقت خدا بخواهد زنده می‌باشد زیرا می‌گویند آب زندگانی نوشیده تا ابدالدهر با اداره خدای قادر و توانا شاید زنده باشد.

۶: ضحاک که او را بیورسب می‌گفتند مدت هزار سال عمر کرد.

۷: مادر ضحاک هزار و دویست سال عمر نمود.

۸: حضرت مریم به مدت پانصد سال عمر نمود به نقل از مسعودی در

کتاب «اثبات الوصیه».

۹: لقمان بن عاد به مدت سه هزار پانصد سال عمر نمود.

۱۰: ریان بن دومغ پدر عزیز مصر به مدت هزار و پانصد سال عمر نمود.

۱۱: شت ۹۱۲ سال عمر نمود.

۱۲: پادشاهی که مهرگان را اختراع کرد به مدت هزار و پانصد سال عمر

نمود.

و از جمله کسانی که خیلی زیاد هستند عمرهای طولانی را در این دنیا دارا بودند و لکن مادر باره اراده خداوند سوره صافات آیه (۱۴۳، ۱۴۴) پی مبریم که عمر طولانی به اراده خداوند است که در این آیه می فرماید خداوند تبارک و تعالی «فلولا انه كان من المسبحين للبت في بطنه الى يوم يبعثون» اگر حضرت یونس در شکم ماهی به تسبیح و عبادت خدا مشغول نبود ما او را تا روز قیامت نگه می داشتیم و این دو نشانه را در بردارد این که خداوند حضرت یونس را در شکم ماهی نگه می داشت و در آبهای دریا و یکی این که اگر حضرت یونس عبادت نمی کرد تا روز قیامت در شکم ماهی می بود.



## فصل ششم

- بحث در مورد رجعت

- رجعت‌هایی در قرآن

- آیات در مورد رجعت آل محمد

- مدعیان مهدویت

- مدعیان مهدویت

- علامت شناخت حضرت مهدی در هنگام ظهور

- در ذکر اخبار غیب آن حضرت

- ذکر کسانی که در غیبت کبری حضرت را دیده‌اند

### بحث در مورد رجعت

این باب را شروع می‌کنیم ابتدا با دانستن معنی رجعت که رجعت چیست؟  
و معنی آن چه می‌باشد.

#### تعریف رجعت

یعنی قبل از آمدن قیامت در زمان ظهور حضرت مهدی عده‌ای از  
انسانهای نیکوکار صالح که از دنیا رفته‌اند و به دنیا برمی‌گردند و همچنین

عده‌ای از انسانهای ستمکار که از دنیا رفته‌اند و به دنیا برمی‌گردند و مردم نیکوکار از این جهت به دنیا برمی‌گردند که بتوانند ائمه را که انتظار آنها را می‌کشیدند و انتظار عدل و عدالت را می‌کشیدند. به طور وضوح ببیند و آنچه که حق ایشان در دنیا توسط ستمکاران به طور ظلم پایمال شده است باز پس گیرند و عده‌ای از انسانهای ستمکار از این بابت به دنیا برمی‌گردند که به اعمال زشت و ناپسند خود پی ببرند و مومنان که ظالمان حقیقتشان را پایمال کردند بگیرند و سایر مردم غیر از این دو فرقه که ذکر شد در عالم برزخ می‌مانند تا قیامت شود و اعمال خود آگاه شوند.

و این مسئله رجعت از عمده مسائلی است که مسلمانان انتظار آن روز را می‌کشند و جزء مذهب مقدس اسلام است و از موضوعات اجماعیه و ضروریه است و ما برای نمونه آیاتی از قرآن کریم در اینجا ذکر می‌کنیم تا این که بیشتر در این مورد آشنای پیدا کنیم و معنی رجعت در ذهن ما نقش ببندد.

## رجعت‌هایی در قرآن

در این قسمت از بحث که دربارهٔ رجعت می‌باشد می‌خواهیم آیاتی که دربارهٔ رجعت بعضی از انسانها که به دنیا دوباره عود کرده‌اند را ذکر کنیم و تا به این مطلب که رجعت آل محمد باشد نیز آگاه شویم.

ابتدا آیه ۲۴ از سورهٔ کهف را ذکر می‌کنیم.

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

که خداوند می‌فرماید: آنان را که در غار به مدت سیصد و نه سال مکث نمودند و آنها بعد از این مدت باز خداوند آنها را به دنیا بازگرداند که این آیه خود دلالت دارد که در قرآن هم رجعت وجود دارد و رجعت هم وجود داشته است و این آیه خود دلیل محکم برای مردم است برای پی بردن به رجعت آل محمد.

و حال آیه‌ای از سورهٔ اعراف آیه ۱۵ می‌فرماید:

حضرت موسی تعداد هفتاد نفر را برای میقات انتخاب کرده بود.

و سپس در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره می‌فرماید:

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ \* ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

اینان به موسی گفتند ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا این که خدای تو را به طور علناً و آشکارا ببینیم و درک کنیم او را و ناگهان دچار صاعقه‌ای گردیدند و همه آنها مردند و خدا می‌فرماید ما همهٔ آنان را بعد از مردن زنده کردیم تا شاید سپاسگذار باشند. و بدانند که خداوند یگانه است/و باید او را پرستش کنند و بدانند خداوند جسم نیست که بتوانند با چشم او

را ببینند.

و علت زنده کردن مجدد آنها این بود که خداوند در آیه ۱۵۴ سوره اعراف اشاره می‌کند و علت را می‌گوید که حضرت موسی فرمود:  
خدایا! من نزد بنی اسرائیل می‌روم جواب مردم را در مورد مردن اینها چه بدهم لذا خداوند از روی این که حضرت موسی فرموده است و درخواست کرده است آنها را برگرداند و هم به خاطر این که درسی برای عبرت گرفتن آیندگان باشد و این هم یک نوع دیگر از رجعت بود که خداوند در قرآن ذکر کرده است.

و در این قسمت نمونه‌ای از آیات قرآن درباره این که رجعت در قرآن هم صورت گرفته است یعنی رجعت به معنی این که خداوند به اراده خودش یا عمل خود انسانها ایشان را در این دنیا می‌راند است و برای عبرت گرفتن آن قوم آنها را به دنیا مجدداً برگردانده است و یا برای عبرت و انسانهای فعلی برای درک رجعت آل محمد و در آیه ۲۵۹ سوره بقره در مورد حضرت عزیز است که صدسال پس از قبض روح دوباره مجدداً به عالم برگشت و آیه آن:

او کالذی مر علی قریه و هی خاویه علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فامانه الله مائة عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوماً او بعض یوم قال بل لبثت مائة عام فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه وانظر الی حصارک و لنجعلک آیه للناس وانظر الی العظام کیف تشزها ثم نکسواها لحاماً فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدیر.

ترجمه: آن این که یا بمانند آن که (مراد عزیز است) به دهکده‌ای گذر کرد که خراب و ویران شده است و گفت درحیرتم که خداوند چگونه مردگان را زنده می‌کند پس خداوند او را صدسال میراند و بعد از آن او را زنده کرد و به او فرمود چه مدت درنگ نمودی جواب داد یک روز یا پاره‌ای از یک روز خداوند فرمود چنین است بلکه صد سال است که به خواب مرگ افتادی نظر به طعام خود کن که هنوز تغییر نکرده است و

الاغ خودت را نگاه کن تا احوال بر تو معلوم گردد و ما تو را حجت برای خلق قرار دهیم و نگاه به استخوانهایش کن که چگونه درهمش پیوسته و گوشت بر آن پوشاندیم چون این کار بر او روشن کردید گفت همانا به حقیقت خداوند بر هر کاری توانا و قادر است.

و این هم باز درس عبرت است هم برای روزی که انسانها زنده می‌شوند برای حساب اعمالشان و هم برای رجعت و نیز آیه‌ای در سوره بقره آیه ۲۴۳ درباره کسانی که از ترس مرگ از دیار خودشان بیرون رفتند

و همه به امر خدا مردند و دوباره خدا آنها را زنده کرد:

الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله ذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون  
آیا ندیدید آنان را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند خداوند فرمود همه بمیرند، همه مردند و سپس خداوند آنها را زنده کرد زیرا خدا را در حق بندگان فضل و کرم است و لکن بیشتر مردم سپاسگزار حق نیستند.

و این آیه هم نمونه دیگری است درباره رجعت قرآن و داریم در سوره آل عمران آیه ۴۹ و در سوره مائده آیه ۱۱۰ درباره این که حضرت عیسی به امر خدا مردگان را زنده می‌کرد سوره آل عمران آیه ۴۹:

و رسولاً الى بنی اسرائیل انی قد جئتکم بایه من ربکم انی اخلق لکم من الطین کهیئه الطیر فانفخ فيه فيكون طيراً باذن الله و ابری الاکمه و الابرص و احی الموتی باذن الله و انبئکم بما تا کلون و ماتدخرون فی بیوتکم ان فی ذلك لایه لکم ان کنتم مومنین.

آن این که و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستاد که به آنان بگوید من از طرف خدا معجزاتی آوردم و آن معجزات از این قبیل است که من از گل مجسمه مرغی می‌سازم و بر آن نفس قدسی می‌دمم تا به امر خدا مرغی می‌شود و کور مادرزادی و مبتلا به پستی را به امر

## فصل ششم / رجعت‌هایی در قرآن / ۸۱

خداوند شفا می‌دهم و مردگان را به امر خدا زنده می‌کنم و به شما از غیبه خبر می‌دهم که در خانه‌هایتان چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید و این معجزات برای شما حجت و نشانه حقانیت من است اگر اهل ایمان هستید.

و با این چند نمونه از آیات که درباره رجعت‌های بود که در قرآن ذکر شده پی به این می‌بریم که ان الله علی کل شیء قدیر و به مسئله رجعت آل محمد هم پی می‌بریم.

## آیات در مورد رجعت آل محمد

در این قسمت از کتاب چند آیه ذکر می‌کنیم که دلالت دارد بر رجعت آل محمد و ابتدا شروع می‌کنیم از:

(۱) آیه ۱۰۲، سوره مومنون:

حقى اذا جاء احد هم الموت قال رب ارجعونى لعلى اعلم صالحاً فيما تركت كلاً  
انها كلمه هو قائلها و من ورائهم برزخ الى يوم يبعثون  
وقتی که مرگ به سراغ آنها می‌آید و جنگال مرگ آنها را فرا می‌گیرد  
می‌گویند ای پروردگار من را بازگشت بده شاید به جا بیاورم عمل  
صالحی را ولی راست نمی‌گویند و پشت سرشان برزخی است تا روزی که  
برانگیخته گردند.

و این آیه به طور مسلم دلالت دارد بر رجعت آل محمد که کسانی که گناه کرده‌اند آرزوی برگشت به آن را دارند.

(۲) در تفسیر علی بن ابراهیم پس از آوردن این آیه:

بل کذبوا بما یحیطوا بعلمه و لما یاتهم تاویله

چیزی را که به علم آنان به آن احاطه ندارد تکذیب کردند در صورتی  
که هنوز تاویل آن برای آنها نیامده است.

كذلك كذب الذين من قبلهم

و به این وسیله بود که گذشتگان را تکذیب نمودند.

این آیه در مورد رجعت نازل شده است ولیکن اینان وقوع رجعت را تکذیب

کردند و گفتند رجعتی نخواهد بود لذا در سوره یونس آیه ۴۱ می‌فرماید:

و منهم من یومن و منهم من لا یومن به و ربك اعلم بالمفسدین

بعضی به رجعت ایمان دارند و بعضی ندارند و خدای تو داناتر است که  
مفسدین چه کسانی هستند.

وقتی در مورد این آیه روایت است از زراره که گفت سوال کردم از امام صادق از رجعت آل محمد و امثال این سؤاها حضرت فرمودند این را سوال نکنید که هنوز وقت آن نرسیده است که خداوند می فرماید:

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلم و لما یاتهم تاویله

و حضرت این آیه را قرائت کردند که خود این آیه نشانه بر رجعت آل محمد است.

و نیز در تفسیر معاویه بن عمار روایت نموده که گفت خدمت امام صادق بودم عرض کردم معنی زندگی تنگ در آیه

و من اعرض ذکری فان له معیشه ضنکاً چیست؟

هر کس از ذکر ما روی بگرداند گذران تنگی برای او خواهد بود. چیست؟

امام فرمودند به خدا قسم این آیه درباره دشمنان ماست بعد سوال کردم از حضرت چطور در آیه آمده است گذران تنگی است و حال آن که ما در ناز و نعمت به سر می بریم و زندگی خوبی را داریم امام در جواب فرمودند اینها زندگی تنگ را و گذراندن این زندگی را هنگام رجعت آل محمد مشاهده خواهند کرد که در آن موقع نجاست می خوردند.

۴) و در آیه انبیاء آیه ۹۵:

حرام علی قریه اهلکناها انهم لایرجعون<sup>(۱)</sup>

و این آیه درباره بازگشت دوباره به دنیا و اشاره به رجعت آل محمد است که تعیین می کند کسانی که قریه آن را مایه هلاک ساختیم حق بازگشت به دنیا برای تکمیل عمل خودش را ندارد زیرا اینها در مقابل ظلمی که کردند ما آنها را هلاک کردیم و اینها در حقیقت صلاحیت برای بازگشت به دنیا و انجام دادن عمل



صالح را ندارند.

(۵) و در آیه دخان:

انا کاشفوا العذاب قليلاً انکم عائدون<sup>(۱)</sup>

که در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است یعنی اندکی از عذاب را برطرف می‌کنیم زیرا به قیامت عود کرده می‌شوند و از این آیه فهمیده می‌شود که عود به قیامت بعد از رجعت آل محمد است زیرا بعضی صالحان و بعضی ستمکاران در رجعت به دنیا عود داده می‌شوند.

(۶) و اما امام صادق در رابطه با این آیه

ربنا امتنا اثنتین و احييتنا اثنتین<sup>(۲)</sup>

در تفسیر علی بن ابراهیم می‌فرماید که این آیه که خداوند می‌فرماید خدایا ما را دوباره میراندی و دوباره زنده کردی تا آخر آیه که این دلالت بر رجعت آل محمد دارد.

(۷) محمد بن یعقوب کلینی در اصول کافی از حسن بن شادان و واسطی روایت کرده است که گفت نامه‌ای به امام رضا نوشتم و از مردمان واسط که پیرو عثمان بودند شکایت می‌کردم و گفتم به من تعدی و آزار و اذیت می‌رسانند و بعد از آن امام رضا علیه السلام خودش با دست خودش مرقوم داشتند که خداوند باری تعالی از بندگان خوب و دوستان خودش پیمان گرفته است که در دولت باطل صبر پیشه کنند و مقاومت نمایند و بنابراین توهم به حکم پروردگارت صبر کن که وقتی که سرور مردم قیام کرد پیروان باطل را از قبر بیرون می‌آورد (مراد رجعت است) انتقام دوستان و بندگان مظلوم خویش را می‌گیرند و سپس در همان موقع است که آنها می‌گویند.

۱- سوره دخان، آیه ۱۴.

۲- سوره زخرف، آیه ۲۷.

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون<sup>(۱)</sup>  
ترجمه: چه کسی ما را از گورهایمان بیرون آورد این است آن روزی که  
خداوند وعده داده و فرستادگان خداوند راست گفتند و این هم دلالت بر  
رجعت دارد.

و این قسمت را که درباره رجعت‌های در قرآن و رجعت آل محمد در قرآن  
ذکر شده بود را به پایان می‌بریم.

## مدعیان مهدویت

در این قسمت از کتاب می خواهیم در رابطه با کسانی که ادعا می کردند که مهدی هستند و مدعی مهدویت بودند بحث کنیم، زیرا این بحث بحث خیلی مهمی است برای کسانی که خیلی زود باور و سریع به چیزی یقین پیدا می کنند و الحمدالله در کشور جمهوری اسلامی یا این افراد روبرو نیستیم و همه باید بدانند مهدی آل محمد یک نفر است و او علامت خاصی دارد و آن دوازدهمین از اولاد مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می باشد و او در مکه ظهور می کند و خیلی افرادی بودند که ادعای مهدویت کردند و پس از چند وقتی منهدم گشتند و از هم پاشیدند و در این قسمت ما در رابطه با بعضی از این افراد بحث می کنیم.

### ۱) ابو مسلم امین ال محمد:

این شخص معروف بود به ابو مسلم خراسانی که می دانیم در تاریخ هر جا اسمی از او می برند حتماً شجاعت او را نیز در کنارش قید می کنند و از شجاعت و دلیری خودش سوء استفاده کرد و به خاطر این که اطرافیان و دوست داران او را به بزرگی یاد می کردند او را یکه تاز میدان نبرد می دانستند و به او می گفتند همه در مقابل این دلیری تو هیچند او حالت غرور به او دست داد و از جمله کسانی که او را تقویت می کردند دعیان عباس او را پسندید و خیلی تعاریفی در وصف او کردند و ابوالعباس هم همینطور و از این بابت بود که ادعای مهدویت کرد تا جهان را پراز عدل و داد کند و حتی تابعین و یاران او را سرخ جامگان می گفتند و او بالاخره در سال ۱۳۷ در جنگ سفاح گشته شد و برای بعضی از بی خردان آن

زمان ادعا پوچ ماند و این را در اکثر کتابهای تاریخی می‌توانید مطالعه کنید و این نقل مورخان در خلافت امویان به عباسیان می‌توانید بخوانید.

### (۲) حاکم بامرالله:

او خیلی سن جوانی داشت در موقعی که به خلافت رسید و سن او تقریباً ۱۱ سال بود و در سال ۳۸۶ به خلافت رسید و او در وقتی که به ریاست رسید احکام خیلی ناگوار دیوانه‌واری را صادر می‌کرد و خود او هم یک فرد دیوانه‌واری بود مثلاً از احکام او این بود که مدتی دستور داده بود به مردم که بر در و دیوارهای شهر و بر در مساجد و هر جای ثابت به خلفاء و صحابه به دو دشنام و فحش بنویسند و یا از کارهای عجیب و فرمانهای غیرعقلانه او این بود که دستور داده بود که هیچ زنی حق ندارد از خانه خودش بیرون بیاید و هر چه خواستند به درب خانه آنها ببرند و با بیل که در خانه می‌بردند و وجه را در آن می‌گذاشتند بیل را بیرون می‌آوردند و وجه را برمی‌داشتند و خلاصه در حرکت از مصر به وسیله چهارپائی گم و ناپدید گشت و پس از مدتی با لباس خون آلود او را پیدا کردند و طرفداران او گفتند او مهدی بوده و به آسمانها رفته است.<sup>(۱)</sup>

### (۳) ابوالسحق ابو عبیده ثقفی:

که این فرد هم یکی از مدعیان مهدویت بوده است که او به نام این که می‌خواهد خون خواهی از حسین کند در ملک مالک اشتر نخعی قیام کرد و محمد حنفیه که از چهارمین اولاد حضرت علی علیه السلام بود در قبه زمزم که مجلس

این زنیر بوده نجات داده و او بعد از این خود را مهدی می دانست و محمد حنفیه را امام می دانست و حتی بعد از فوت محمد حنفیه چندین مذهبهای مختلفی به وجود آمد و خلاصه این شخص که مدعی مهدویت بود در سال ۶۷ به دست مصعب بن زبیر کشته شد.

#### ۴) غلام احمد قادیانی:

این فرد هم یکی از کسانی بود که ادعا مهدویت کرده است و خود را مهدی خوانده است و در همه جا اعلام کرده است آن کسی که شما منتظر آمدنش هستید من هستم و من آمدم و عده‌ای از یهودیان و نصارا را اطراف او را می گرفتند و در پیش یهود گفته است من نبی آخرالزمان هستم و به نصارا گفته است من حضرت مسیح هستم و بعضی از این بی خردان و بی دینانان که اینطور کیش دینداری خود را به سینه می زنند از او تبعیت کردند و با او دست بیعت دادند.

#### ۵) میرزا طاهر مشهور حکاک اهل اصفهان:

این شخص هم ادعای مهدویت کرده است و مذهب طاهریه که طرفداران آن بودند به وجود آورد. وی از شاگردان حاج سیدکاظم رشتی رئیس شیخیه بوده است و اول کار او در اصفهان بوده است بعد به تهران منتقل می شود و بعد از آن اسلامبول شده و در خط نسخ خیلی استاد و ماهر بوده است که خود را کم کم به ناصح العالم لقب داد و در نامه‌ای به ناصرالدین شاه نوشته است نور چشم من ناصرالدین میرزا الی آخر نامه و نامه‌ای هم به سلطان عبدالحمید عثمانی نوشته به زبان ترکی جوجو عبدالحمید افندی الخ صورت هر دو را حقیر در نزد

مبلغین این مسلک دیده‌ام و خود را در اسلامبول معرفی کرده است و گفته است من از طرف تمام انبیاء مبعوثم برای این که بشر را نصیحت کنم و بشر را به راه راست هدایت نمایم. و چون اطرافیان او زیاد شدند خود را فوراً مهدی نامیدند. و از مدعیان حضرت مهدی گردیدند و اطرافیان زیادی پیدا کرد که مذهب خاصی را هم تشکیل داد به نام مذهب طاهریه که اعتقاد به این داشتند که او مهدی است و او در حدود سال ۱۳۰۰ در حالت مسموم گشته شد و این ادعا را با خود به گورستان برد و زیاد کسانی بودند که ادعای مهدویت کردند و نابود شدند که ذکر آن به طول می‌انجامد.

## علامت شناخت حضرت مهدی در هنگام ظهور

در این قسمت از بحث در رابطه با معارف و شناخت حضرت مهدی در روز ظهور و آنچه پس از قیام واقع می شود بحث می شود.

۱- این که احمد بن ابیطالب طبرسی در کتاب احتجاج ابوسعید عقیصاء از حضرت امام حسین مجتبی علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمودند: هر یک از ما ائمه هدی و معصومین ناگزیر به بیعت سلاطین ظالم و متجاوز زمانش به گردنش می افتد مگر حضرت مهدی که حضرت عیسی (روح الله) در پشت سر آن حضرت نماز می گذارد، زیرا خداوند ولادت او را پنهان می داد و او را از نظرها غایب می گرداند تا بیعتی بر گردنش نباشد و فرمودند آن حضرت عمرش را در مدت غیبت آن طولانی می کند و بعد ایشان را به صورت جوانی ۴۰ ساله انتظار آشکار و ظاهرش می سازد تا مردم به این وسیله عبرت بگیرند.

۲- در کتاب غیبت نعمانی از فضل بن محمد از حضرت جعفر صادق نقل کرد، که فرمودند: آن صدای آسمانی که حضرت را به نام صدا می زند در قرآن مجید اشاره به آن صدا شده است و می گوید عرض کردم آن آیه که اشاره به آن صدا دارد کجاست فرمودند در سوره آیه مبارکه: ﴿ان نشاء تنزل علیهم من السماء ایه فظلت اعناقهم لها خاضعین﴾.

و فرمودند وقتی این صدا را شنیدند چنان مبهوت زده و متحیر می شوند.

۳- در کتاب غیب شیخ طوسی از حسن بن محبوب از ابو حمزه ثمالی او از حضرت صادق روایت کرد که به آن حضرت گفتیم حضرت امام باقر فرمودند که خروج سفیانی و ندای آسمانی و طلوع خورشید از مغرب و چیزهای دیگر که

فرمودند از امور حتمی و واقعی است که قبل از ظهور حضرت مهدی و بعد امام صادق فرمودند اختلاف زیادی در بین مسلمانان نیز از امور حتمی است و عرض کردیم مقصود از این صدای آسمانی چیست و چگونه است؟ ایشان فرمودند که اول روز گوینده‌ای از آسمان ندا می‌دهد به طوری که مردم آن را می‌شنوند با لغت مختلف و می‌گویند هوشیار باشید و بدانید که حق با شیعیان و پیروان علی بن ابیطالب است و وصی پیغمبر است به امر خداوند تبارک و تعالی و در آن وقت است که اهل باطل ناراحت می‌گردند از تبعیت خودشان دین باطل را.

در یکی دیگر از چیزهایی که باعث شناخت می‌شود و در هنگام ظهور این است که در کتاب کمال الدین از مفضل بن عمر روایت شده است که گفت حضرت صادق فرموده‌اند که این آیه مبارکه: ﴿إِنَّا تَكُونُوا يَات بكم الله جميعاً﴾. دربارهٔ یاران گمشده حضرت مهدی نازل شده است که در بیان حال آنها که هنگام شب از روی فرش خانه خود گم و ناپدید می‌شوند. و صبح در مکه می‌باشند و بعضی از آنها روز در میان ابرها حرکت می‌کنند و تمام صفات و حتی نام و نشانی او را همه می‌دانند و می‌گویند سوال کردم کدام یک از این دو دسته‌ای که ذکر فرمودید نزد خداوند افضل می‌باشند حضرت عرض کرد آنهايي که در میان ابرها حرکت می‌کنند.

و بعضی دیگر از علائم شناخت در ابتدای کتاب بیان شده است که دیگر احتیاج به ذکر آنها نیست.

و این تتمه‌ای بود از بحث شناخت حضرت قائم علیه السلام در هنگام ظهور ایشان.



## در ذکر اخبار غیب آن حضرت

در این قسمت در رابطه با معجزات حضرت مهدی و اخبار غیبی که از حضرت قائم می‌رسیده بحث خواهد شد.

### (۱) محمد بن احمد کلینی:

در کافی از حسن بن حسن روایت کرده است که روزی یکی از ندیمان روز حسنی با یکی دیگر نزد وی بودند مرد به ندیم گفت: او همان کسی است که اموال از اطراف و اکفاف برای او می‌برند و او خودش وکلانی هم دارد. و تمام وکلاء در هر جایی که بودند را نام برد و چون این خبر به وزیر عبیدالله بن سلطان رسید خواست هر طور شده آنها را دستگیر کنند خلیفه گفت بگردید و ببینید این مرد کجا است وزیر گفت ما وکلایش را می‌گیریم خلیفه گفت این کار را نمی‌کنیم و من یک نقشه دارم ما مالی را به افراد معینی می‌دهیم و می‌گوئیم به نزد این وکلاء ببرند و هر کدام این مال را قبول کردند فوراً او را دستگیر می‌کنیم در همان موقع بود که توقیعی از حضرت امام زمان صادر شد که هیچ یک از وکلا چیزی از مردم نگیرند و خودتان را از این موضوع بی‌اطلاع نشان دهید و بعد وزیر مالی را به دست یکی از افراد خود داد و گفت به نزد محمد بن احمد برو و بگو این مال را به آقا برساند و اگر گرفت او را دستگیر کنید و به نزد من بیاورید و این فرد به نزد محمد بن احمد آمد و گفت این مال را به آقا بدهید محمد بن احمد خود را به بی‌اطلاعی زد و گفت چه مالی آقا کیست اصلاً تو چه می‌گویی معلوم می‌شود و به این ترتیب بود که هر که به نزد هر کدام از وکلاء می‌رفت مال را قبول نکردند زیرا

از قبل به آنها خبر داده شده بود.

### (۲) شیخ طوسی:

که در کتاب غیبت جماعتی از علماء برای ما از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی ره نقل کرده اند که او به سند خود از محمد بن ابراهیم مهزیار روایت نموده که گفت بعد از رحلت امام عسکری در این که امام بعدی کیست تردید داشتیم اموالی از سهم امام نزد پدرم بود و مال را جمع کردیم به کشتی نشستیم و مال را هم برداشتیم و ناگاه تب شدیدی بر پدرم عارض شد به طوری که گفت پسرم برگرد، این تب علامت مرگ است و به من وصیت کرد در این اموال راه احتیاط را پیشه کن و با خود گفتم این اموال را با خود به عراق می برم و خانه ای کنار شط اجاره می کنم و اگر برای من روشن شد امام بعدی کیست مال را می دهم و الا آن را بین فقراء تقسیم می کنم بعد به عراق آمدم و خانه ای کنار شط اجاره کردم چند روزی ماندم دیدم قاصدی آمد و نامه ای به من داد و نامه را خواندم دیدم نوشته است ای محمد این مقدار مال در فلان چیز در نزد توست و تمام اشیاء در نامه نوشته شده بود تعجب کردم و مال را تسلیم کردم چند روزی منقلب و غمگین بودم تا این که نامه دیگر آمد که نوشته شده بود ما تو را به جای پدر وکیل قرار دادیم پس حمد خداوند را به جا بیاور.

### (۳) محمد بن علی علوی حسینی:

و این هم از داستانهایی است که حضرت ولی عصر خبر دادند که چه انجام دهد سید طاووس در کتاب مهج الدعوات از احمد بن محمد علوی عریض از

محمد بن علی علوم حسینی که ساکن مصر بود روایت کرد و گفت: یک روز امر عظیم و محنت باری از سوی حاکم برای من پیش آمد و گفت من از این امر به وحشت افتادم زیرا از او نزد احمد بن طوطون حاکم مصر سعایت شده است پس از آن برای حج از مصر خارج شد و از حجاز به عراق آمد و دست به دامان مرقد امام حسین شد و زیارت و دعا می خواند و پانزده روز در کربلا ماند تا این که گفت روزی بین خواب و بیداری حضرت صاحب الامر را دیدم که به من فرمودند امام حسین علیه السلام به تو می فرماید ای فرزند از فلانی می ترسی گفتم آری می ترسم و او می خواهد مرا به قتل برساند و من از این پیش آمده به شما شکایت کردم فرمود چرا خدای خودت و پدرانت را با دعای انبیاء گذشته که آنها را در نهایت مشکلات می خواندند و خداوند مشکلات آنان را حل می کرد نخواندی و گفتم آن دعا چیست فرمودند وقت شب جمعه فرا رسید غسل کن و نماز شب بخوان چون سجده شکر نمودی در حالی که روی زانو و انگشتان پاهایت نشسته ای این دعا را بخوان بعد دعا را برای من خواندند تا پنج شب امام زمان بین خواب و بیداری می آمدند و این دعا را برای من تکرار می کردند تا یاد گرفتم.

و دیگر شب جمعه بعد تشریف نیاورند و من هم شب جمعه تمام اعمالی که گفته شده بود انجام دادم و مجدداً حضرت را در شب شنبه دیدم و حضرت به او فرمودند دعا تو مستجاب شد و دشمنت به قتل رسیده است صبح آن روز با اباعبدالله وداع کردم و به مصر رفتم چون به اردن رسیدم یکی یاز همسایگان خودم را دیدم و برایم گفت احمد بن طوطون دشمن تو را گرفت و قتل رسانید و او را به رودخانه نیل انداختن و این هم قسمتی دیگر بود درباره اخباری غیبی که حضرت به آن خبر داده بود البته خیلی این اخبار زیاد است به خاطر زیاد بودن / آن ما به بعضی از آن بسنده می کنیم.

## ذکر کسانی که در غیبت کبری حضرت را دیده‌اند

### (۱) محمد بن عیسی بحرینی:

چنانچه مجلسی از جماعتی از ثقات نقل می‌کند که زمانی که بحرین به تصرف پادشاه فرنگ درآمد بود حاکم آنجا را از مسلمین که ناصبی مذهب بود قرار داد و او وزیری، داشت که در مقام تعصب زیادتی بر آن حاکم داشت که در مقام تعصب زیادتی بر آن حاکم داشت و دشمن اهل آن بلاد بود و یک روز وزیر بر حاکم وارد شد و اناری در دست داشت به حاکم داد و حاکم آن انار را که دید مشاهده نمود که روی آن نوشته شده است لا اله الا الله محمداً رسول الله ابابکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله و گفت این خلقت اولیه آن این طور بوده است و ساخته دست بشر نمی‌باشد و این دلیل خوبی است در ابطال مذهب رافضه و گفت رای تو درباره اهل بحرین چیست؟ جواب داد، وزیر او و گفت رای من این است چون خیلی اهل بحرین متعصبند این براهین را مشکل قبول کنند تو آنها را دعوت کن و انار را به آنها نشان ده اگر از دین خود برگشتند برای تو ای حاکم ثواب بزرگی است و اگر از دین خود برنگشتند آنها را مخیر بین ۳ امر کن:

- ۱: جزیه بدهند با ذلت و خواری.

۲: یا جواب بیاورند.

۳: یا مردان آنها را بکشیم و زنان و اولاد آنها را اسیر بکنیم و اموال ایشان را

غنیمت برمی‌داریم.

و حاکم قبول کرد که این کار را انجام دهد و فرستاد به دنبال علماء و افاضل

آنجا و گفت بگوئید بیایند وقتی آمدند انار را نشان داد و آنها تا آن انار را دیدند

لرزیدند و حاکم گفت یا جواب بدهید و اگر نتوانستید جواب بدهید باید با جزیه بدهید یا مردان شما را می کشیم و زنان و اولادانتان را اسیر و مال شما را به غنیمت می بریم گفتند ای حاکم سه روز به ما مهلت بده و به خانه برگشتند و مجلسی گرفتند و قرار شد از علماء و زهاد بحرین ۱۰ نفر را انتخاب و بین این ده نفر سه نفر را انتخاب کنند تا جواب از امام زمان بیاورند پس یکی از سه نفر را گفتند تو برو و امشب را گریه و زاری کن و بگو مشکل را و او رفت تا صبح استغاثه نمود و چیزی ندید و نفر دوم شب دوم رفت چیزی ندید و شب سوم محمد بن عیسی رفت با سر و پای برهنه رفت و شب تاریکی بود گریه و زاری کرد و چون آخر شب فرا رسید مردی او را صدا زد ای محمد بن عیسی بحرینی چرا تو را در این حال می بینم جواب داد ای مرد مرا به حال خود واگذار که برای امر مهمی بیرون آمدم و آن مشکل را نمی گویم الا برای کسی که آن را کشف کند و حضرت فرمودند ای محمد بن عیسی من صاحب الامر گفت اگر شما صاحب الامر هستید مشکل من چیست بگو بدانم، حضرت جواب داد گرفتاری و خوف شما به خاطر قضیه انار است محمد بن عیسی تا این کلام را شنید رو به آن حضرت کرد و گفت به راستی شما امام ما هستید و مشکل ما را می دانید و تنها شما قادر بر این امر هستید حضرت فرمودند: محمد بن عیسی در خانه آن وزیر درخت اناری است وقتی آن درخت بار گرفت از گل به شکل اناری ساخت و دو نصف کرد و در میان هر یک از این دو نصف این جمله را نوشت و انار که کوچک بوده آن را در میان قالب گل گذاشت و آن را بست چون در میان آن قالب بزرگ شد آن نوشته حک شد. صبح به نزد حاکم برو و به او بگو جواب را در خانه وزیر می دهم و تو زودتر از وزیر داخل شو و به جانب راست در هنگام دخول غرفه ای می بینی و به حاکم بگو جواب را نمی دهم مگر در آن غرفه و وزیر ممانعت می کند و تو اصرار

کن و داخل غرفه شو طاقچه‌ای می‌بینی و در آن طاقچه کیسه سفیدی است که قالب گل در آن است و در حضور حاکم آن انار را درون قالب بگذار تا واضح شود و نشانه دیگر این که اگر انار را بشکنند دودی از آن بیرون می‌آید و اگر این سخن را می‌خواهید بدانید به وزیر امر کنید در حضور مردم انار را بشکنند آن دود بر صورت و ریش او خواهد رسید و محمد بن عیسی تا جواب را شنید شاد شد و در مقابل آن جناب زمین را بوسید و خدا حافظی کرد و به خانه رفت صبح به نزد حاکم رفت و جریان را به عرض او رساند و حاکم تا آن نشانه‌ها را دید دستور داد آن مردک را بکشند و خود حاکم گفت چه کسی به تو جواب داد گفت صاحب الامر و او امامان را به ترتیب ذکر کرد تا به امام قائم رسید و حاکم گفت دست دراز کن تا من بیعت کنم و بیعت کرد و گفت خدائی نیست به جز خدائی یگانه و گواهی می‌دهم محمد بنده و رسول خدا است و گواهی می‌دهم خلیفه بعد از او حضرت علی است و از اهل آن بلاد عذر خواهی نمود.

## ۲) اسماعیل بن حسن هرقلی:

و اما از دیگر کسانی که خدمت امام عصر رسیدند اسماعیل هرقلی بود او از اهل قریه‌ای بود که به آن هرقل می‌گفتند و در بلاد حله او در ایام جوانی بر ران چپش مرضی بود که آن را مرض توته می‌گفتند و در فصل بهار که می‌آمد می‌ترکید و از آن خون جاری می‌شد او خیلی از این بابت ناراحت بود به حله آمد و به خدمت رضی الدین علی بن طاووس رفت و از این مرض و درد شکایت کرد و جراحان را حاضر کردند و جراحان گفتند این توته در بالای رگ اکحل است و علاج آن این است یا پای شما را ببریم و اگر ببریم شاید رگ اکحل بریده شود و شما دیگر زنده نمی‌مانید و بزرگ جراحان گفتند من به بغداد می‌روم باش

همراه برویم شاید آنها علت را بدانند و وقتی با هم رفتند من به بغداد می‌روم باش همراه برویم شاید آنها علت را بدانند و وقتی با هم رفتند اطباء بغداد به او همان جواب قبلی را گفتند و از این گفتهٔ اطباء خیلی ناراحت شد و اسماعیل گفت به سامراء می‌روم و استغاثه به ائمه هدی می‌برم شاید که مرا از این درد نجات دهند و به آنجا رفت و زیارت امامین امام علی نقی و امام حسن عسکری را به جای آورد و به سردابه رفت و شب را استغاثه به حضرت صاحب الامر کرد و صبح به جانب دجله رفت و لباسش را شست و غسل کرد و ابریقی که داشت پراز آب کرد و به طرف مشهد رفت که در آنجا را نیز یکبار دیگر زیارت کند و به قلعه نرسیده بود که چهار سوار آمدند و می‌گویند خیال کردم از این اطرافیان هستند و می‌گویند دیدم دو جوان شمشیر به دست‌اند یکی از آنها خطش رسیده بود و یکی از آنها پیر بود که نیزه‌ای در دست داشت و دیگری شمشیر حمایل کرده و فرجی بر بالای آن پوشیده است و تخت الحنک بسته و نیزه‌ای به دست در طرف چپ بودند و صاحب فرجی در میان راه مانده بر من سلام کرد جواب دادم فرجی پوش گفت، فردا روانه می‌شوی گفت بله گفت جلو بیا ببینم چه چیز تورا اذیت و آزار می‌دهد و این خاطر من رسید این جامه تراست و اگر دست بکشی نجس می‌شوی در این فکر بودم که خم شد و مرا به طرف خودش کشید و دست بر آن جراحی نهاد که به درد آمد و راست شد و بر زین نشست مقارن آن حال شیخ فرمود افلحت یا اسماعیل و گفتم افلحتم و در تعجب ماندم اسم مرا از کجا می‌دانند و آن شیخ به من گفت امام است من دویدم ران و رکاب آن حضرت را بوسیدم و به من فرمودند برو گفتم من نمی‌روم و باز فرمودند که برو و من هم گفتم من نمی‌توانم بروم پس آن شیخ گفت اسماعیل شرم نداری که امام دوبار فرمودند برو و تو نمی‌روی، بعد ایستادم و چون چند قدمی از من دور شدند و به

من فرمود چون به بغداد رسیدی مستنصر تو را می‌طلبید و به تو عطائی می‌دهد قبول نکن و فرمود به فرزندم رضی بگو که چیزی درباره‌ی تو به علی بن عوض بنویسد که من او را سفارش می‌کنم هر چه بخواهد بدهد.

و من نشستم تا غایب شدند و یک ساعتی آنجا نشستم تا به مشهد برگشت اهل مشهد گفتند چرا ناراحتی گفتم، این سواران را دیدند فرمودند ایشان از شرفاء بودند گفتم یکی از آنها امام بود چون زخم را گشودیم هیچ اثری را ندیدم و خلق بر من هجوم آورده و لباس مرا پاره کردند و صبح لباس مجدد مرا مردم بغداد پاره پاره کردند و بردند و سید رضی با جمعی آمدند و ناظر بین النهرین نوشته بود صورت حال را و به بغداد فرستاده بود و ایشان را خبر کرده بود. سید گفت تو هستی که شفا پیدا کردی گفتم آری چون ران را دید ساعتی غش کرد و بیهوش شد چون حال آمد گفتم وزیر مرا طلبید تا تو را به آنجا ببریم وقتی بردم وزیر گفت قصه را بازگو وقتی وزیر مرا طلبید تا تو را به آنجا ببریم وقتی بردم وزیر گفت قصه را بازگو وقتی گفتم فرستاد دنبال جراحان، وقتی جراحان آمدند و حرف مرا تصدیق کردند و گفت چند روز است زخم را دیده‌اید گفتند ده روز است وزیر گفت می‌دانم عمل کیست و این خبر به خلیفه رسید وزیر اسماعیل را به حضور خلیفه برد و گفت ماجرا را بگو چون گفتم خواست کیسه پولی به من بدهد که به او گفتم حضرت به من فرموده‌اند که قبول نکنم و خلیفه ناراحت شد و گریه کرد و این ماجرائی دیگر از کسانی که در غیبت کبری خدمت ولی عصر رسیدند.

### (۳) شیخ حر عاملی:

محدث شیخ بزرگوار شیخ حر عاملی در اثبات الهداه فرموده است و گفت



که من در سن ده سالگی به مرض خیلی سخت که دچار شدم به طوری که اهل خانه و خویشاوندان برای من گریه و زاری می کردند و خودشان را آماده کرده بودند برای این که عزاداری کنند و خیال می کردند من می میرم در آن شب میان خواب و بیدار بودم که دیدم حضرت محمد و دوازده امام معصوم را و با یک یک ایشان مصافحه کردم و بین من و حضرت صادق علیه السلام گفتگوئی شد که به ذهن خودم نماند و جز آن که آن حضرت در حق من دعا کرد.

و تا رسیدم به صاحب الامر و سلام کردم و مصافحه کردم و گریه کردم و گفتم یا صاحب الامر می ترسم در این مرض بمیرم و مقصد من علم و عمل است که می خواهم به آن برسیم و هنوز نرسیده ام و فرمودند تو نترس تو در این مرض نخواهی مرد و نمی میری و خداوند تبارک و تعالی تو را زنده نگه می دارد و شفاء می دهد و فرمودند عمر طولانی خواهی کرد و قدحی در دست داشتند که به من می دادند و من تناول کردم وقتی که نوشیدم و خودم را در حال عافیت یافتم مرض به طور کلی از من دفع شد و نشستم و اهل خانه تعجب کردند با آن حالت سابقه ای که داشتم و به آنها ماجرا را نگفتم مگر بعد از گذشت چند روزی که بعداً جریان را تعریف کردم.

#### ۴) میراسحاق استرآبادی:

و اما از دیگر کسانی که خدمت امام زمان رسید میراسحاق استرآبادی بود به نقل از علامه مجلسی اول که گفت یک مرد خیلی نیکوکار و مومنی در زمان ما بود که معروف بود به میراسحاق استرآبادی و می گفتند که او چهل بار پیاده به مکه، خانه خدا رفته و برگشته و به این خاطر بین مردم مشهور به طی الارض بود و روزی میراسحاق استرآبادی به اصفهان آمد و من نزد وی رفتم و خواستم از

حال و احوالات او که شهرت دارد به طی الارض جویا شوم.  
و او قضیه‌ای را تعریف کرد در یکی از سالهای که با کاروان قصد و آهنگ  
خائۀ خدا را کرده بودم وقتی به محلی رسیدیم که هنوز تا مکه ۷ یا ۹ منزل  
فاصله داشت کاروان را گم کردم.

و کاروان از پیش چشم من غایب شد و راه را گم کرده بودم و سرگردان بودم  
و به قدری تشنه بودم که دیگر تاب و توان نداشتم و پاهایم یارای حرکت را  
نداشت و از زندگی خودم کاملاً ناامید شدم و ناگهان به یاد حضرت قائم افتادم و  
داد زدم یا صالح یا صالح کمکم کن و مرا از این بلا نجات بده و تا صدا زدم دیدم  
شبحی در آخر بیابان می‌آید و طولی نکشید که به نزد من آمد دیدم جوانی با  
سیمای خوش و لباسهای تمیز و پاکیزه و گندمگون و سوار بر شتری بود و مشک  
آبی هم با خود همراه داشت و من به او سلام کردم و او جواب سلام من را داد. و به  
من فرمود تشنه هستی گفتم آری، فرمودند: بیا مشک را بگیر و آب را بخور،  
مشک را گرفتم زود آب را خوردم و از من سوال کرد می‌خواهی به کاروان بررسی  
گفتم: آری مرا بر پشت شتر سوار نمود و به طرف مکه رهسپار شد و من عادت  
داشتم هر روز حرزیمانی می‌خواندم و شروع به خواندن کردم و وقتی می‌خواندم  
او به من فرمود اینجا را این طور بخوان و هر اشتباه مرا تصحیح می‌کرد و طولی  
نکشید که یمن گفت این مکان را می‌شناسی و وقتی نگاه کردم دیدم در ابطح  
هستم گفتم بله می‌شناسم گفت پیاده شو و وقتی من پیاده شدم او برگشت و از  
نظرم ناپدید گشت تازه فهمیدم که امام زمان است.

و خیلی افسوس خوردم که او را نشناختم و بعد از هفت روز کاروان آمد  
چون آنها از زنده ماندن من مایوس شده بودند تا مرا دیدند تعجب کردند و در آن  
موقع بود که به من می‌گفتند طی الارض دارم.

## (۵) شیخ حسین ال رحیم:

و اما از دیگر کسانی که خدمت امام عصر حضرت صاحب الامر رسید و با ایشان ملاقات کرد شیخ حسین ال رحیم بود.

مردی در نجف که خیلی متدین و مهربان و از خانواده‌ای معروف به ال رحیم بود که به او شیخ حسین می‌گفتند و او مبتلا به مرض سینه و سرفه که با آن خون بیرون می‌آمد و دارای فقر بسیار شدید بود. و از طرفی زنی از اهل نجف را می‌خواست با او تزویج کند اما با آن فقری که داشت خویشان و خود خانواده قبول نمی‌کردند بسیار ناراحت شد و برای خودش گفت که مردم هر وقت گرفتاری می‌یابند در نجف چهل شب چهارشنبه به مسجد کوفه می‌روند و امام زمانش را می‌بینند و نجات می‌یابد و او هم قصد چنین کاری کرد و چهل شب رفت و در مسجد عبادت کرد و چون شب چهارشنبه چهلم فرارسید و در دهکده‌ای که در مسجد بود نشسته بود، زیرا او درون مسجد نمی‌توانست برود به علت وجود خون و اخلاط سینه و مسجد نجس می‌شد و به خود گفت شیخ حسین دیدی کسی به تو علاقه ندارد این هم شب چهلم کسی را ندیدی ناراحت بود. چون عادات داشت به خوردن قهوه آتشی روشن کرد تا آن را بخورد و مقدار کمی از نجف همراه خودش قهوه آورده بود، گفت: ناگهان دیدم شخصی از سمت در اول به سوی من می‌آید و با خود گفتم که این عربی است از اهل اطراف مسجد است و من که مقدار کمی قهوه دارم امشب بی‌قهوه می‌شوم شخص آمد و بر من سلام کرد و نام مرا برد و از این غیب تعجب کردم و به او گفتم از طایفه عرب هستی گفت، از بعضی ایشان هستم و اسم هر طایفه را که بردم گفت نه و بعد ایشان فرمودند چه کار به طایفه من داری بگو چرا به این جا آمدی، گفتم شما را نفعی ندارد بدانید و او گفت، بگو ما هم بدانیم و شیخ حسین تحت تاثیر قرار

گرفت و تمام ماجرا را گفت و از تن سبیلی ساخت و به او گفت بکشید و او در جواب گفت نمی‌کشم شیخ حسین قهوه را ریخت و به او گفت بخورید و آن مرد کمی از آن را خورد و کمی جا گذاشت و به من گفت بخور، پس شیخ حسین خورد و خیلی به او محبت پیدا کردم و به همین صورت از درد و زنی که می‌خواست گفت و شیخ حسن گفت چهل شب آمدم برای دیدن امام زمانم ولی موفق نشدم و آن شخص در این حین من ملتفت نبودم گفت: سینه تو خوب باشد و آن زن را هم می‌گیری، اما فقرت به حال خودش باقی می‌ماند به او گفت به جناب مسلم نمی‌آیی برویم گفت بیا برویم وارد زمین مسجد شدیم گفت نمی‌خواهی دور کعت نماز تحیت بخوانیم گفتم بخوانیم پس ایستاد نزد یک شاخص سنگی که در میان مسجد بود و نماز را بست و گفت من هم تکبیرة الاحرام را گفتم و نماز را بستم و مشغول خواندن فاتحه شدم که ناگاه قرائتی را شنیدم که از هیچ کس نشنیده بودم و به خود گفتم شاید صاحب الامر باشد و کلماتی را شنیدم که دلالت داشت و گفت نظر کردم به او نور عظیمی دیدم آن حضرت را احاطه کرده بود و از بیم آن حضرت نتوانستم نماز را قطع کنم و به هر نحو بود نماز را خواندم و نور از زمین بالا می‌رفت و اینجا بود که عذرخواهی و گریه می‌کردم که چرا بی‌ادبی کردم و نشناختم و تا صبح شد و دیدم درد سینه‌ام خوب شد و هفته‌ای نکشید که با آن دختر ازدواج کردم و به همان حال فقر باقی ماندم همان وضعی که آن حضرت گفته بود.

### ۶) کمک امام زمان به شیخ مفید:

شخصی خدمت شیخ مفید رسید و مسئله‌ای پرسید و آن مسئله از این قرار بود سوال کرد که جناب شیخ مسئله‌ای دارم فرمود بگو گفت زنی حامله

است فوت کرده است و حملش زنده است آیا چه کنیم جواب این مسئله چیست؟

شیخ مفید گفت: با همان حمل او را به خاک بسپارید و آن مرد خدا حافظی کرد و رفت و در میان راه که می‌رفت دید سواری شتابان به سوی او می‌آید و او ایستاد دید آن شخص گفت شیخ گفته‌اند که مسئله از این قرار است که شکم آن زن را بشکافید طفل را بیرون بیاورد و شکم زن را بدوزید و دفن کنید و بعد از گذشت مدتی ماجرا را برای شیخ مفید ارائه کرد و او گفت من چنین کسی را نفرستادم این مسئله را اینطور بیان کند و فهمید این شخص کسی جز امام زمان ولی عصر نمی‌باشد از گفتن مسئله غلط خیلی نگران شد و به خانه رفت درب خانه را به روی خودش بست و باز نکرد و به خود گفت من دیگر فتوی نمی‌دهم کسی که این طور فتوی می‌دهد باید در خانه بنشیند و خیلی ناراحت بود تا اینکه توفیقی از آن حضرت بیرون آمد و آن این بود که جناب شیخ بر شماست که فتوی دهید. نکنید و برماست که نگذاریم این فتوی خطا واقع شود و خوشحال شد و دوباره بر مسند نشست.

### (۷) ملا احمد معروف به مقدس اردبیلی:

مجلسی در بحار نقل می‌کند که یکی دیگر از کسانی که خدمت امام زمان رسیده است ملا احمد معروف به مقدس اردبیلی است.

یکی از شاگردان او میر غلام نقل می‌کند که من شبی در حرم مطهر حضرت امیرالمومنین قدم می‌زدم و از شب گذشته بود دیدم شخصی به سوی روضه مقدسه می‌رود.

و گفت من هم به دنبال او بدون این که مرا ببیند به راه افتادم دیدم استاد

ما ملا احمد اردبیلی است تا این که استاد به در روضه که رسید دیدم در روضه که بسته بود باز شد و ملا احمد داخل شد و دیدم که گویا با کسی حرف می‌زند و بعد از مدتی بیرون آمد و در روضه بسته شد تا آن که از نجف بیرون آمد و به سوی کوفه روانه شد و من هم همچنان به دنبال او روانه بودم تا رسید به مسجد کوفه وارد شد و رفت به محرابی که حضرت امیر شربت شهادت را نوشیده بودند و با شخصی درباره مسئله‌ای صحبت می‌کردند و مدت زیادی به طول انجامید و از مسجد کوفه بیرون آمد و روانه به سوی نجف شد و من هم هنوز در دنبال او می‌رفتم تا نزدیک مسجد حنانه که رسیدیم مرا سرفه گرفت و چون ملا احمد سرفه مرا شنید متوجه من شد و گفت آیا تو میر غلامی عرض کردم بله من میر غلام هستم ملا احمد پرسید در این جا چه می‌کنی و من در جریان گفتم و به ایشان گفتم از وقتی که وارد روضه مقدسه شدید به دنبال شما آمدم تا آن که به مسجد کوفه در محراب حضرت امیر رفتید و من تعقیب شما بودم.

و در این موقع ملا احمد را قسم دادم و گفتم شما را به صاحب این قبر قسم می‌دهم تمام ماجرا را که در این شب برای شما اتفاق افتاده است برای من بازگو کنید تا من هم این جریان را بدانم و ملا احمد عرض کرد این ماجرا را می‌گویم به شرط این که برای کسی نقل نکنی، تا هنگامی که زنده هستم و من هم شرط ملا احمد را پذیرفتم و ایشان عرض کردند که در مسائلی در ماندم و نتوانستم این مسائل را درک کنم به خودم گفتم به حرم حضرت امیر می‌روم و سوال می‌کنم آمدم به روضه مقدسه در ب باز شد و تضرع کردم تا آن که صدائی از قبر بیرون آمد و فرمودند برو مسجد کوفه و آنها را از صاحب الامر حضرت مهدی بپرس زیرا او امام زمان تو است و در آن موقع راهی کوفه شدم و نزد آن حضرت در محراب شهادت امیر رفتم و سوالات و مسائل را گفتم و حضرت صاحب الامر

مهدی به این سوالات جواب دادند و این داستان عالم متقی و زاهد پرهیزکار  
ملاحمد اردبیلی بود.

### ۸) علامه بحرالعلوم:

یکی دیگر از کسانی که در غیبت کبری خدمت حضرت صاحب الامر  
رسیدند علامه بحرالعلوم بود و حکایت او از این قرار است:  
نقل کرده است عالم بزرگوار جناب ملازین العابدین سلماسی از ناظر  
علامه بحرالعلوم در روزهایی که در مکه بود گفت آن جناب با آن که در بلاد  
غریب بود و به دور از خویشاوندان خود زندگی می کرد دست بخششی بسیار  
زیاد داشت و مرتب خرج می کرد و گفت یک روز خرج خیلی تنگ گرفت به پیش  
علامه آمد و عرض کرد آقا جان مخارج زیاد شده و چیزی در دست مانیت و آقا  
هیچ نفرمود و علامه عادت داشت که هر روز صبح طواف دور خانه خدا می کرد و  
به خانه برمی گشت و در اتاقی که برای خودش بود می رفت و ما برای آن علامه  
قلیان حاضر کردیم تا ایشان بکشند و بعد از آن از اتاق خودشان بیرون می آمدند  
و به اتاق دیگری می آمد و دانش آموزانی از مذهبهای مختلف می آمدند و او به  
ایشان درس می داد و در روز بعد چون شکایت کرده بودم از دیروز آن وقت از  
طواف برگشتند قلیان را حاضر کردم که ناگاه کسی در زد و علامه متحیر شد و  
گفت قلیان را از این جا ببر و خود علامه سریع از جا حرکت کرد و به سوی در  
دوید و در را باز کرد و شخصی خیلی نورانی به صورت اعراب داخل شد و در اتاق  
سید آمد و سید در نهایت ذلت در دم در نشست و سید به من اشاره کرد که قلیان  
را ببرم و مدتی با هم نشستند و با هم صحبت کردند و بعد از آن مرد بلند شد و  
سید سریع بلند شد و در را باز نمود و دست او را بوسید و او را سوار بر ناقه ای که

دم در بود سوار کرد و او رفت و سید برگشت و در دست او براتی بود و این برات را به دست من داد و گفت این حواله‌ای است بر مرد صرافی که در کوه صفاست و به نزد او برو و آنچه حواله کرده است را بگیر بیاور و آن برات را به همان آدرس بر دم و آن شخص برات را گرفت و تا دید آن را بوسید گفت برو و چند حمال بیاور و رفته چهار حمال آوردم و به قدری که آن چهار نفر قدرت داشتند ریال فرانسه آورد و آن حمالها آن ریالها را به منزل آوردند و گفت من از این ماجرا در شگفت شدم و گفتم به نزد مرد صرافی می‌روم و جریان را می‌پرسم وقتی به همان مکان قبلی که برای گرفتن ریالها رفته بودم رسیدم نه صرافی را دیدم و نه دکانی را هیچ ندیدم و از کسی که در آن جا حاضر بود حال صراف را پرسیدم و او جواب داد اصلاً صرافی اینجا نیست و از اینجا بود که آن شخص هیچ کسی غیر از امام زمان زمان نبوده است.

و این قسمت از کتاب در رابطه با بعضی از کسانی که در غیبت کبری خدمت حضرت صاحب الامر رسیدند به پایان رسید.



## فصل هشتم

-وظایف ما در غیبت امام زمان  
-ذکر چند قطعه شعر در مدح آن حضرت

### وظایف ما در غیبت امام زمان

در این قسمت ما در رابطه با بعضی از تکالیف خودمان در زمان غیبت آقا امام زمان را بیان می‌کنیم امیدواریم که تمام بندگان خدا بتوانیم از یاران امام زمان باشیم و این وظایف را انجام دهیم و دل امام زمان را از این اعمالمان شاد کنیم.

(۱) به آنچه قرآن و شریعه اسلامی فرموده است عمل کنیم و هیچ‌گاه از این خط که صراط مستقیم است بیرون نرویم و هیچ‌گاه به هوای نفس خودمان توجه نکنیم زیرا حضرت مهدی آقا امام زمان که ظهور می‌کنند یارانی را می‌خواهند که واقعاً شیعهٔ مخلص و به فرامین قرآن جامه عمل بپوشاند و این خود از مهمترین وظایف ما در مقابل آقا امام زمان است.

(۲) از دیگر وظایف در غیبت آقا امام زمان این است که در مقدمه بحث به طور تفصیل بیان کردیم و آن مسئله انتظار ولی عصر می‌باشد که ما باید منتظر چنین روزی باشیم تا آقا قیام کنند و عدل و داد را برقرار سازند و انتقام خونهای به ناحق ریخته شده را باز پس بگیرند ما می‌بینیم از جمله کشورهای مستضعف

و جهان سوم که به علت این که شیعه هستند چه زجرهایی از دولتهای به اصطلاح قدرتمند می‌کشند مثل لبنان و فلسطین که این اسرائیل جنایتکار و آمریکا خونخوار دست از سر ملت‌های مسلمان بر نمی‌دارد و همیشه باعث این جنایات وحشیانه و غیربشری می‌شود و حقوق بشر که امروزه مسئله بسیار غیراهمیتی از نظر کشورهای قدرتمند شده است را پایمال می‌کنند.

۳) دعا کردن برای سلامتی آقا امام زمان از شر شیاطین جن و انس و دعا کردن برای ظهور آقا امام زمان که دعاهای فراوانی دارد شده است از جمله دعای  
اهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتك علیه و علی ابائه فی هذه الساعة و  
فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قاعداً و ناصرأ و دلیلاً و عینا حتی تسکنه  
ارضک و طوعاً و تمتعاً فیها طویلاً.  
به هر حالت که باشی ایستاده، نشسته و در تمام آن ماه و در هر موقعی که ممکن  
شود تو آن را بخوان بعد از حمد خدا و صلوات بر پیغمبر این دعا و دعاهای وارده  
را بخوان.

۴) و از جمله آنها قیام است برای امام زمان در هنگام شنیدن اسم امام  
زمان بخصوص اگر چه لفظ قائم باشد زیرا ایشان از امامان ما شیعیان هستند و  
آخرین امام ما هستند و کسی است که قیام می‌کند و عدل و داد را در همه جا پر  
می‌کند و کسی است که از طرف خداوند قیام می‌کند و از جمله کارهای دیگری  
است که باید انجام داد مثل صدقه دادن به هر چه که باشد از برای حفظ سلامتی  
امام زمان و اینها کوچکترین وظایف است که ما بندگان درگاه ربوبی می‌توانیم در  
مقابل پاس داشتن این نعمت خداوند به جا بیاوریم.

۵) استغاثه جستن به امام زمان در هنگام بلایا و امراض و شدائدی که  
مسلمانان را تعقیب می‌کند زیرا او امام است و بهترین جایگاه و منزلت را در نزد

خداوند دارد و در هنگام بیماریها و رفع مشکلات و برآمدن حوائج دست به دامان حضرت ولی می شویم بلکه او کسی است که اگر نظری به ما کند در تمام این بلاها و مشکلات به یاد خدا برطرف می شود و در همین جا دعا می کنیم خدایا تمام مریضان اسلام و مسلمین شفاء عنایت بفرما و خدایا فرج امام زمان را نزدیک بفرما. خدایا ما را از یاران واقعی ایشان قرار بده.

## ذکر چند قطعه شعر در مدح آن حضرت

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید      که زانفاس خوشش بوی کسی می آید  
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من      زده ام فالی و فریاد رسی می آید  
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست      این قدر هست که بانگ جرسی می آید

**حافظ**

و این قطعه شعری است در مدح حضرت ولی عصر از شمس

**تبریزی:**

آن امام مبین ولی خدا	آفتاب وجود اهل صفا
در زمین و زمان و ارض و سماء	آن امامی که قائم است به حق
او منزّه ز شرک و کفر و ریا	ذات او هست واجب العصمه
او برون از صفات ما فیها	عالم وحدت است مسکن او
جمله فانی و جان بود برجا	اوست جان حقیقت انسان
گردش او بود به گرد بقاء	جنبش او بود زحی قدیم
و آن صفاتش علی عالی را	هست باقی چو ذات خالق حق
هست مسموس او بذات خدا	نیست خالی صفات حق از ذات
که زحق او بحق شد پیدا	اوست آن گنج مخفی لاهوت
هست مقصود آن علی علا	نقد آن گنج علم بی پایان
که حکیم است و عالم اشیاء	حکمت او جز او نداند کس
آخر او بود بلا آخری	اول او بود بلا اول
اولیاء راست دیده بینا	ناصر الانبیاء است او الحق

او به حق است و حق از او ظاهر  
 بود از نور او دل آدم  
 مطلع گشت بر همه شیئی  
 سجده بردند پیش او مملوک  
 شیث در خورد برید نور علی  
 نوح از او یافت آنچه می طلبید  
 کرد ذکرش خلیل با خلت  
 یسار او کرد یوسف اندر چاه  
 بسکه نالید پیش او یعقوب  
 نور او دید موسی عمران  
 در شریعت در مدینه علم  
 لطف او بود همدم مریم  
 از علی می شنید نطق علی  
 رهروان طالبند و او مطلوب  
 علم جاوید شد برش روشن  
 گفتم با امتان ز راه حق  
 صادقان جمله روبه او آرند  
 بود با کل انبیاء در سر  
 اول و آخر او بود در دین  
 تا بدانی تو رمز این معنی  
 تا شود روشنت که عالی اوست  
 ما همه ذره ایم و او خورشید  
 او به حق است جاودان حق  
 زان شده تاج و مظهر اسماء  
 آدم از علم آن امام تقی  
 چون که بد نور خالق یکتا  
 گشت واقف ز عالم اعلی  
 تا رساندش به منزل علیا  
 تا که شد نار لاله حمراء  
 تا گرفت آن سر بر ملک آراء  
 بوی یوسف شنید و شد بینا  
 گشت واله در آن شب یلدا  
 در حقیقت امیر هر دو سرا  
 در شب قرب مقام دنی  
 بعلی جز علی نبود آنجا  
 ناطقان صامتند او گویند  
 کرد تحقیق سرما او حی  
 که علی هست راهنمای شما  
 که امیر است هادی و مولی  
 بود با مصطفی معنی جهرا  
 ظاهر - و باطن او بود به خدا  
 تا رسی در ولایت والا  
 با من ای خواجه کم کن غوغا  
 ما همه قطره ایم او دریا

شمسی دین چون تو صادقی در عشق جان فداکن زبهر مولینا  
تا شود جانت و اصل جانان تا که باشی به عشق راهنما  
و اما شعری دیگر در مدح حضرت صاحب الامر امام زمان از زبان  
شمس تبریزی:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست  
زین همرهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست  
گفتا بناز بیش مرنجان مرا برو آن گفتنت که بیش مرنجانم آرزوست  
دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست  
بشنیدم از هوای تو آواز طبل باز باز آمدم که ساعد سلطانم آرزوست  
یعقوب وار و الاسفاها همی زخم دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست

در توسل حضرت ولی عصر این اشعار زیر سروده شده است از

مرحوم نوقانی:

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم  
سرمایه زکف رفت و تجارت نمودیم جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم  
بس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست جانها به لب آمد رخ دلدار ندیدیم  
ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم  
ای بسته به زنجیر تو دلهای محبان رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم  
رخسار تو در پرده نهان است و عیان است بر هر چه نظر کردیم رخسار تو دیدیم  
چندان که به یاد تو شب و روز نشستیم از شام فراق تو چو سحر ندیدیم  
تار شته طاعت به تو پیوسته نمودیم هر رشته که به غیر تو بستیم بریدیم  
شاهها به تولای تو در مهد غنودیم بر یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم  
ای حجت حق پرده زر رخسار برافکن کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم

ما چشم راهیم بهر شام و سحرگاه      در راه تو از غیر خیال تو رهیدیم  
ای دست خدا دست برآور که زدشمن      بس ظلم بدیدیم و طعنه شنیدیم  
شمشیر کجت راست کند قامت دین را      هم قامت ما را که زهجر تو خمیدیم  
شاهها ز فقیران درت روی مگردان      بر درگهت افتاده به صدگونه امیدیم

### شعری از شیخ غلامرضا اسدی مقدم:

در این بهار دلنشین بسیا به بوستان دلا  
جمال و فرگل ببین که دیده راهد جلا  
نسیم تازه هر زمان رسد ز طرف گلستان  
وزدم را به جسم و جان عجب نسیم جانفرا  
صدا زنند بلبلان به شاخسار بوستان  
چه بلبلان طرفه خوان چه نغمه های دلربا  
برآر سر ز خواب غم مباش در غم والم  
مژده که شاه ذوالکرم بر همگی دهد شفا  
بسی بهار در جهان که گشت طعمه خزان  
ولیک جاودان نگربهار بی خزان ما  
به مستمند چاره جو صبا پیام ما بگو  
که چاره ساز کرده رو به دردها نهد دوا  
بیا که روز عید شد عطای شه مزید شد  
در شعبان پدید شد نشان رحمت خدا  
به نیمه چون فرارسید شب سیه به پارسد  
ز عرشیان ندا رسد ظهور نور کبریا

شعاع نور حق بسین به وقت فجر دومین  
زیمن مقدمش زمین نموده فجر بر سما  
رسید خسرو جهان رسید شاه انس و جان  
مغیث یار بی کسان سفینه نجات ما  
سفینه رسل بخوان صفاتش از کتب بدان  
که اوست صاحب الزمان ولی والی خدا  
عزت احمدی است او رفعت سرمدی است او  
نشان ایزدی است او نویدی بعث انبیاء  
علم علی کمال او فاطمه دان جلال او  
حلم حسن خصال او وارث شاه کربلا  
مگوز زهد زاهدین بیا و زهد او بسین  
که اوست زین العابدین وقت عبادت و دعا  
فشاند از لبان گهر به نشر حکم و در اثر  
چو باقر است در خبر چو صادق است رهنما  
مقام عقو و رحمتش بیان وجود و رافتش  
مثال جاه و صفوتش چوی ظلم از ره صفا  
زوصف احتجاج او نه جای بحث و گفتگو  
ولی سزد که گویم او ذوالحجج است چون رضا  
جود و سخاوت تقی نور و نقاوت نقی  
عیان زشاه متقی جلوه کند به ماسوا  
حشمت او فکری فری هیبت او ز عسکری  
غیبت اوست داوری امر ظهورش از خدا



هادی و رهبر بشر قانع کل من کفر  
صاحب نصرت و ظفر ناشر رایت هدی  
زاده طاوواستس مظهر الضحاستی  
اوست طریق راستی مصون ز لغزش و خطا  
کجاست شاه دادگر کجاست رهبر بشر  
این الامام المنتظر این المغز الاولیاء  
جود و عطا سجیتت شاه و گدا رعیت  
داده خدا مزیت، سیف و خاتم و لوا  
به منکر و جود او که ملحد است و زشتخو  
دو صد هزار لعن گو به صبح و ظهر و در مساء  
لطف عمیمت از کرم رسد به خلق دم به دم  
بر اسدی است مغتنم مهر ولایت ای شها  
الحمد لله كثيراً و سبحانه بکره و اصیلاً.  
یزد - ابوالقاسم دهقان چناری  
به تاریخ ۲۱ شهریور ماه ۱۳۷۶  
حوزه علمیه یزد (مدرسه امام خمینی).

## منابع و مأخذ

- ١- بحار الانوار
- ٢- منتخب الاثر
- ٣- اصول كافي
- ٤- تحف العقول
- ٥- نهج الفصاحه
- ٦- الزام الناصب
- ٧- بشاره الاسلام
- ٨- ارشاد مفيد
- ٩- الحادي للفتاوى
- ١٠- عرف الورى
- ١١- امام المهدي
- ١٢- الملاحم و الفتن
- ١٣- يوم الخلاص
- ١٤- ينابيع الموده
- ١٥- المهدي
- ١٦- تذكره الخواص
- ١٧- كشف الغمه

## فهرست منشورات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور

قطام و نقش او در شهادت امام علی <small>علیه السلام</small>	نام کتاب:
جرجی زیدان	نام نویسنده:
ابراهیم خانه زرین - ایرج متقی زاده	نام مترجم:
۲۰۰۰ نسخه - ۲۸۸ صفحه رقی	شمارگان:
دوم	نوبت چاپ:
بهار ۷۷	تاریخ انتشار:
۶۰۰ تومان	قیمت:

---

اذان و اقامه از دیدگاه مذاهب پنجگانه	نام کتاب:
محمد حسین شاه حسینی	نام نویسنده:
۳۰۰۰ نسخه - ۸۰ صفحه رقی	شمارگان:
اول	نوبت چاپ:
زمستان ۷۶	تاریخ انتشار:
۲۵۰ تومان	قیمت:

---

نام کتاب:	۶۰۰ تست تشریحی عربی پیش دانشگاهی
نام نویسنده:	عیسی متقی زاده - علی چراغی
شمارگان:	۳۰۰۰ نسخه - ۱۶۰ صفحه وزیر
نوبت چاپ:	دوم
تاریخ انتشار:	زمستان ۷۶
قیمت:	۵۰۰ تومان

---

نام کتاب:	راهنمای عربی ۲
نام نویسنده:	عیسی متقی زاده - علی چراغی
شمارگان:	۳۰۰۰ نسخه - ۱۶۰ صفحه وزیر
نوبت چاپ:	دوم
تاریخ انتشار:	زمستان ۷۶
قیمت:	۵۰۰ تومان

---

نام کتاب:	راهنمای عربی ۳
نام نویسنده:	عیسی متقی زاده - علی چراغی
شمارگان:	۳۰۰۰ نسخه - ۱۷۶ صفحه وزیر
نوبت چاپ:	دوم
تاریخ انتشار:	زمستان ۷۶
قیمت:	۵۰۰ تومان